

آینده سخن
نامه قالیباف به شعامبیروت زیر آتش
حملات جدید اسرائیل به لبنانمصائب تیم ملی
روزهای سخت ایران در جام جهانیضرر میلیاردها بی نتیجه
اعتراف رسمی مرکز ملی فضای مجازی

خیابان کدام انقلاب؟

سیاه‌نمایی‌ها علیه دولت و مذاکرات در صداوسیما
و تریبون‌ها توسط تندروها افزایش یافت

یادداشت روز

تلاش سیاه

صدا و سیما چه اهداف و انگیزه‌هایی
در ناکارآمد جلوه دادن دولت دارد؟مجید فراهانی
کارشناس مسائل بین‌الملل

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که در گذشته نیز سوابق متعددی از آن مشاهده شده در برخی مقاطع اهداف گوناگونی را در راستای ناکارآمد جلوه دادن دولت‌ها دنبال کرده است. این اهداف را می‌توان در چند محور اصلی مورد بررسی قرار داد. نخستین محور، اهداف سیاسی است. در بسیاری از موارد، صداوسیما با برجسته‌سازی ضعف‌ها و مشکلات دولت تلاش می‌کند به کاهش محبوبیت سیاسی آن کمک کند. این رویکرد معمولاً زمانی پررنگ‌تر می‌شود که دولت مستقر از منظر این رسانه در جناحی متفاوت یا رقیب تعریف شود. در چنین شرایطی، صداوسیما می‌کوشد از ظرفیت رسانه‌ای خود برای کاهش سرمایه اجتماعی و سیاسی دولت استفاده کند و زمینه را برای تقویت جریان سیاسی مورد حمایت خود فراهم آورد. دومین هدف را می‌توان در تأثیرگذاری بر انتخابات‌های آینده جست‌وجو کرد. اگر یک رسانه فراگیر بتواند، تصویری از ناکارآمدی دولت در ذهن افکار عمومی ایجاد کند این تصویر می‌تواند در رفتار انتخاباتی شهروندان اثرگذار باشد. از این منظر، ناکارآمد جلوه دادن دولت ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به سود یک جریان سیاسی خاص تمام شود و در نهایت به تحقق اهداف سیاسی آن جریان در انتخابات‌های آتی کمک کند. محور سوم به منافع اقتصادی و اجتماعی بازمی‌گردد. به هر حال برخی از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها ممکن است با منافع گروه‌های خاصی که از حمایت یا نفوذ بیشتری در ساختار رسانه‌ای برخوردارند، در تضاد قرار گیرد. در چنین شرایطی، این گروه‌ها تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای، دولت را تحت فشار قرار دهند. نتیجه این رویکرد، برجسته شدن کاستی‌ها و مشکلات اجرایی دولت و القای تصویری از ناکارآمدی آن در افکار عمومی است. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تأثیرات و ملاحظات بین‌المللی است. در برخی موارد به‌ویژه هنگامی که دولت تحت فشارهای خارجی قرار دارد یا با چالش‌های بین‌المللی روبه‌رو شده است، صداوسیما ممکن است این شرایط را نشانه‌ای از ضعف دولت تلقی کند. در چنین وضعیتی، این رسانه با تشدید انتقادات و افزایش حجم تبلیغات منفی علیه دولت تلاش می‌کند این تصور را در جامعه تقویت کند که دولت در مواجهه با چالش‌های خارجی و بین‌المللی ناتوان و ناکارآمد عمل کرده است. عامل مهم دیگر، مسئله کنترل روایت‌هاست. صداوسیما به عنوان یک رسانه فراگیر و تأثیرگذار معمولاً تلاش می‌کند، روایت‌های مورد نظر خود را در عرصه عمومی تثبیت کند. هنگامی که دولت نتواند یا نخواهد با این روایت‌ها همسو شود احتمال افزایش فشار رسانه‌ای علیه آن وجود دارد. در چنین شرایطی ناکارآمد جلوه دادن دولت می‌تواند، ابزاری برای حفظ و تقویت روایت مسلط و جلوگیری از شکل‌گیری روایت‌های رقیب باشد. در کنار این موارد نباید از نقش انتقادات عمومی نسبت به عملکرد دولت غافل شد. تجربه نشان داده در دوره‌هایی که جامعه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی گسترده مواجه است، صداوسیما نیز تلاش می‌کند، همسو با مطالبات و انتقادات عمومی حرکت کند. برای مثال در شرایطی که کشور با تورم بالا، مشکلات ناشی از تخریب زیرساخت‌ها، دشواری‌های واردات کالاها اساسی، افزایش بیکاری و سایر پیامدهای اقتصادی ناشی از جنگ یا فشارهای خارجی روبه‌رو باشد، طبیعی است که انتقاد از عملکرد دولت افزایش یابد. در چنین فضای، صداوسیما نیز می‌تواند با برجسته‌سازی این مشکلات بر موج نارضایتی‌های عمومی سوار شود و تصویری پررنگ‌تر از ناکارآمدی دولت ارائه دهد. در مجموع، نقش صداوسیما در ناکارآمد جلوه دادن دولت را باید پدیده‌ای چندوجهی دانست که تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی شکل می‌گیرد. میزان و شیوه بروز این رویکرد نیز بسته به شرایط زمانی و تحولات محیطی متفاوت است و معمولاً ترکیبی از عوامل یاد شده در شکل‌گیری آن نقش دارند.

محرمانه به ایران

وزیر کشور پاکستان نامه مهر و موم شده‌ای را برای رهبر انقلاب آورد
با توجه به نهایی بودن فرآیند مذاکرات میان ایران و آمریکا
گمانه‌زنی‌ها بر این است که این نامه حاوی پیام بسیار مهمی است

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

سیدمحسن تقوی، وزیر
کشور پاکستان که برای
دیدار و رایزنی با مقام‌های
ارشد کشورمان به تهران

آمد، روز یکشنبه با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه دیدار و پیام مکتوب شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان خطاب به رهبر انقلاب را تسلیم وزیر امور خارجه کرد. در این دیدار ضمن مرور روابط دوجانبه تهران-اسلام‌آباد، درباره آخرین وضعیت روند دیپلماتیک جاری برای خاتمه جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، که با میانجی‌گری پاکستان در حال انجام است، تبادل نظر شد. رسانه‌های پاکستانی پیش‌تر اعلام کردند که یکی از محورهای سفر تقوی در تهران، تلاش برای دستیابی به تفاهم اولیه و موضوع آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران است.

ادامه در صفحه ۳

پارلمان

آینده صحن

نامه قابلیف به شورای عالی امنیت ملی
برای بازگشایی مجلس

گروه سیاسی: سخنگوی هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی از ارسال نامه‌ای از سوی رئیس مجلس به شورای عالی امنیت ملی برای تعیین تکلیف برگزاری جلسات علنی صحن خبر داد. عباس گودرزی با اشاره به وضعیت فعلی جلسات مجلس توضیح داد که برگزاری جلسات علنی و تکمیل فرآیند قانون‌گذاری یکی از مطالبات اصلی نمایندگان و بخشی از افکار عمومی است اما شیوه فعلی عدم برگزاری جلسات صحن و جایگزینی آن با سازوکارهای محدودتر بر اساس مکاتبات انجام‌شده با شورای عالی امنیت ملی و نهادهای امنیتی صورت گرفته است.

وی افزود: در ماه‌های اخیر موضوع بازگشت به روند عادی جلسات علنی در کمیسیون‌ها و هیات رئیسه مجلس مورد بررسی قرار گرفته و جمع‌بندی‌های متعددی در این زمینه انجام شده است. بر همین اساس، رئیس مجلس در اردیبهشت‌ماه طی نامه‌ای رسمی از شورای عالی امنیت ملی خواسته است تا نظر جدید خود را درباره امکان از سرگیری جلسات علنی اعلام کند. با این حال تاکنون پاسخی به این نامه دریافت نشده و وضعیت برگزاری جلسات همچنان مطابق روال محدود قبلی ادامه دارد.

گودرزی با اشاره به فعالیت کمیسیون‌های تخصصی در دوره اخیر گفت: در مدت جنگ و پس از آتش‌بس پیش از ۱۵۰ جلسه کمیسیون‌های مجلس با حضور مسئولان اجرایی، وزرا و مقامات لشکری و کشوری برگزار شده و پنج جلسه نیز به صورت مجازی تشکیل شده است. او تأکید کرد که با وجود شرایط خاص امنیتی، روند نظارتی و تقنینی مجلس متوقف نشده اما نیاز به بازگشت به جلسات علنی برای ارتقای شفافیت و کارآمدی احساس می‌شود. به گفته او، آخرین جلسه علنی مجلس پیش از وقفه اخیر در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ برگزار شده بود و قرار بود جلسه بعدی ۱۰ اسفند تشکیل شود اما به دلیل آغاز تحولات امنیتی و حملات خارجی، جلسات علنی به تعویق افتاد. اکنون با گذشت چند ماه، بحث بازگشت به وضعیت عادی در دستورکار قرار گرفته و تصمیم نهایی منوط به نظر شورای عالی امنیت ملی عنوان شده است.

خبر

مخالفت مجلس
با افزایش قیمت بنزین

بررسی ایده جدید
برای اصلاح نظام توزیع سوخت

گروه سیاسی: عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی از بررسی وضعیت تولید، توزیع و ذخایر سوخت کشور در جلسه نظارتی با حضور وزیر نفت خبر داد و اعلام کرد که نمایندگان با هرگونه افزایش قیمت بنزین و گازوئیل مخالفت کرده‌اند. محمد رشیدی در تشریح این نشست گفت، این جلسه با حضور وزیر نفت و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی برگزار و در آن گزارشی جامع از وضعیت زنجیره تأمین سوخت ارائه شد. به گفته او بر اساس گزارش‌های ارائه شده، وضعیت ذخایر سوخت نیز وگانه نسبت به دو سال گذشته در شرایط بهتری قرار دارد و سطح ذخایر در وضعیت مطلوب ارزیابی می‌شود. با این حال در گزارش مطرح شد که به دلیل آسیب‌های وارد شده به برخی تأسیسات پتروشیمی در پی حملات اخیر، احتمال بروز ناترازی محدود در تولید و مصرف بنزین و گازوئیل در ماه‌های آینده وجود دارد، هرچند این ناترازی در حد گسترده پیش‌بینی نمی‌شود. رشیدی تأکید کرد که لازم است هرچه سریع‌تر برخی فازهای پارس جنوبی در عسلویه و ظرفیت‌های پتروشیمی به مدار کامل تولید بازگردند تا بخشی از فشار موجود در حوزه انرژی جبران شود. وی افزود: سیاست‌های اصلاحی در این زمینه در حال پیگیری است و دولت و مجلس در حال بررسی راهکارهای مختلف برای مدیریت مصرف و تولید هستند.

این عضو هیات رئیسه مجلس همچنین اعلام کرد که در این جلسه نمایندگان به‌طور صریح مخالفت خود را با هرگونه افزایش قیمت سوخت اعم از بنزین و گازوئیل اعلام کردند. در مقابل، برخی پیشنهادها جایگزین مانند تخصیص سهمیه سوخت به هر فرد به جای خودروها نیز مطرح که با استقبال نسبی نمایندگان مواجه شد.

خیابان کدام انقلاب؟

سیاه‌نمایی‌ها علیه دولت و مذاکرات در صداوسیما و تریبون‌ها توسط تندروها افزایش یافت

رئیس‌جمهور و ماجرای حذف بخش‌هایی از پیام رهبری ارتباط برقرار کنند؛ به‌ویژه آنکه پزشک‌های پیش‌تر نیز نسبت به تحریف یا بازنمایی ناقص برخی مواضع مرتبط با مذاکره و سیاست خارجی هشدار داده بود.

«خیابان انقلاب»: تریبونی علیه دیپلماسی

یکی از مهم‌ترین مصادیق انتقادهای به عملکرد اخیر صداوسیما، ماجرای برنامه «خیابان انقلاب» است؛ برنامه‌ای گفت‌وگومحور که در تجمعات شبانه تهران برگزار می‌شود و با حمایت سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران و بازتاب رسانه‌ای گسترده در صداوسیما به تریبونی برای حمله به مذاکرات و تیم مذاکره‌کننده تبدیل شده است. در این برنامه، چهره‌هایی از جریان موسوم به سوبیر انقلابی بارها



مواضعی را مطرح کردند که تصمیمات رسمی کشور در حوزه سیاست خارجی را زیر سؤال می‌برد. از جمله غلامرضا قاسمیان، چهره‌ای که پیش‌تر اظهارات جنجالی‌اش در موسم حج علیه عربستان منجر به بازداشتش در این کشور شد همچنین در گفت‌وگویی خواهان اعدام روحانی و ظریف به دلیل برجام شده بود، جمعه ۱۵ خرداد ۱۴۰۵ در سخنرانی‌اش در برنامه «خیابان انقلاب» گفت: «هرکس که مذاکره می‌کند، مطمئناً بی‌باور به سنن الهی است» و حتی فراتر رفت و گفت «مذاکره حرام است». او سپس با طرح ادعاهایی جنجالی درباره روند تصمیم‌گیری در کشور مدعی شد، برخی تصور می‌کنند همه چیز تحت کنترل است درحالی‌که «امور زیادی در کشور از دست رهبری خارج شده است؛ از جمله انجام مذاکره». اظهاراتی که واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت و به حواشی پیرامون این برنامه دامن زد.

در کنار او، شیخ اسماعیل رضانی نیز در یکی از برنامه‌های «خیابان انقلاب» با انتقاد تند از روند مذاکرات، گفت: «می‌گویند این بار دست برتر را داریم؛ خب دست برتر یعنی چه؟ ۹۰ روز کاسبی کشور را تعطیل کرده‌اند، رهبر را شهید کرده‌اند، فرماندها را شهید کرده‌اند، محاصر در پای کرده‌اند و هر شب آتش‌بس را نقض می‌کنند؛ دیگر چه باید بکنند تا بگویند شرایط به نفع ما نیست؟»

حاشیه‌های ناتمام

طرح چنین مواضعی در شرایطی صورت می‌گیرد که مذاکرات و تصمیمات دیپلماتیک کشور در چارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی و با هماهنگی ارکان عالی نظام دنبال می‌شود. از این رو منتقدان معتقدند، تبدیل شدن یک برنامه رسانه‌ای به تریبونی برای حمله به این تصمیمات عملاً به تشویش افکار عمومی و ایجاد چندصدایی در سیاست خارجی کشور دامن می‌زند؛ آن هم در شرایطی که رهبر انقلاب و دیگر مسئولان ارشد نظام همواره بر حفظ انسجام ملی و حمایت از تیم مذاکره‌کننده تأکید کرده‌اند.

حاشیه‌های «خیابان انقلاب» اما تنها به سخنرانان آن محدود نشد. محسن مقصودی، مجری برنامه «ثریا» و از چهره‌های نزدیک به برگزارکنندگان این برنامه، در نامه‌ای سرگشاده از مهدی محمدی، مشاور محمدباقر قالیباف و از چهره‌های نزدیک به تیم مذاکره‌کننده، دعوت کرد تا در جمع مردم حاضر شود و به انتقادهای ابهام‌های مطرح شده درباره مذاکرات پاسخ دهد. محمدی اما این دعوت را نپذیرفت و در واکنش از محتوای برنامه انتقاد کرد. او تأکید کرد تنها چند ساعت پس از پیام رهبر انقلاب درباره ضرورت حفظ انسجام ملی و پرهیز از تفرقه در همین برنامه، شعارهایی مانند «مذاکره خیانت به خون امام شهید است» مطرح شده و برخی سخنرانان عملاً درحال تضعیف اعتماد عمومی نسبت به تصمیمات کشور هستند.

با افزایش انتقادات، محل برگزاری «خیابان انقلاب» چندین بار تغییر کرد و در نهایت هم برگزاری و هم بخش تلویزیونی آن لغو شد. محمدی نیز پس از انتشار خبر لغو برنامه تأکید کرد که نه در لغو آن

تقنسی داشته و نه اساساً اختیاری برای چنین اقدامی دارد. با این حال، او هشدار داد کسانی که «بذر تفرقه» می‌پاشند باید نسبت به پیامدهای اقدامات خود پاسخگو باشند. او شب بعد از این ماجرا نیز شخصاً در میدان ولیعصر حاضر شد و در استوری اینستاگرام خود نوشت: «در میدان ولیعصر نشست‌ام و بابت این حجم از بی‌اطلاعی، بی‌انصافی و بی‌تقوایی که مردم مؤمن ناچارند بنشینند و آنها را اجباراً گوش کنند، غصه می‌خورم». محمدی همچنین با انتقاد از محتوای برنامه نوشت: «دقت کردم ببینم حرف حسابی مطرح می‌شود یا نه؛ خبری نبود. بعد گفتم شاید دست‌کم منصف باشند؛ نبودند. نمی‌دانم چه کسانی درباره برگزاری این برنامه‌ها در میدان تصمیم می‌گیرند. آیا نمی‌بینند که دشمن در کمین است تا انسجام شکل گرفته را بر هم بزند؟ آیا پیام امروز رهبری درباره برنامه دشمن را ندیدند؟ اگر به مصالح کشور و فرامین رهبری توجهی ندارند، امیدوارم دست‌کم از خدا بترسند».

رسانه ملی و چالش بی‌طرفی

یکی از مهم‌ترین انتقادهایی که در سال‌های گذشته به صداوسیما وارد شده، غلبه نگاه سیاسی و جناحی بر اصول حرفه‌ای رسانه‌ای به ویژه در ارتباط با دولت است. آنچه مشخص است اینکه رسانه ملی به جای بازتاب متوازن دیدگاه‌های مختلف در بسیاری از موضوعات به تریبون جریان خاصی تبدیل شده و همین مسئله بر میزان اعتماد عمومی به آن تأثیر گذاشته است. این انتقادات البته به دولت فعلی محدود نمی‌شود. در دولت‌های گذشته به‌ویژه در دولت‌های اصلاح‌طلب و میانه‌رو نیز رؤسای جمهور و اعضای کابینه بارها نسبت به نحوه پوشش اخبار، انتخاب کارشناسان و جهت‌گیری برخی برنامه‌ها اعتراض کرده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر این شکاف بیش از گذشته نمایان شده است.

موضوع مذاکرات هم یکی دیگر از نمونه‌های این اختلاف است. بخشی از برنامه‌های صداوسیما به جای بازتاب سیاست‌های رسمی کشور به محلی برای طرح دیدگاه‌های جریان‌هایی تبدیل شده که اساساً با هرگونه مذاکره یا کاهش تنش در روابط خارجی مخالف هستند. نتیجه چنین رویکردی نیز شکل‌گیری تصویری دوگانه و گاه متناقض از سیاست خارجی کشور است که می‌تواند هم در داخل و هم در عرصه بین‌المللی پیامدهایی به همراه داشته باشد. هم‌زمان با افزایش انتقادهای به عملکرد برخی برنامه‌ها و چهره‌های رسانه‌ای این پرسش نیز مطرح است که چرا در برابر اقداماتی که از نگاه منتقدان به تشویش افکار عمومی، تضعیف انسجام ملی یا زیر سؤال بردن تصمیمات رسمی کشور منجر می‌شود، واکنش جدی و مؤثری دیده نمی‌شود؟ منتقدان تأکید دارند اگر حفظ وحدت ملی و جلوگیری از دوقطبی‌سازی یک ضرورت ملی است این اصل باید درباره همه جریان‌ها و همه تریبون‌ها به‌طور یکسان اجرا شود. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند، راه‌حل این مسئله الزاماً در برخورداری امنیتی یا قضایی خلاصه نمی‌شود و اصلاح سازوکارهای نظارتی و حرفه‌ای در رسانه ملی می‌تواند اثربخش‌تر باشد.

بازگشت به منافع ملی؛ مطالبه مشترک از صداوسیما

مسئله صداوسیما فراتر از یک اختلاف مقطعی میان دولت و یک رسانه است و به چالش‌های بنیادین‌تر در مفهوم «رسانه ملی» برمی‌گردد؛ رسانه‌ای که از بودجه عمومی استفاده می‌کند و انتظار می‌رود، نماینده همه مردم و همه دیدگاه‌های موجود در چارچوب نظام باشد نه سخنگوی یک جریان سیاسی خاص. در چنین شرایطی به باور تحلیلگران رسانه، نخستین گام برای کاهش انتقادهای و افزایش اعتماد عمومی، شفافیت بیشتر در عملکرد رسانه ملی است. افکار عمومی حق دارد بداند که معیار انتخاب کارشناسان، نحوه تعیین موضوعات و چارچوب پوشش اخبار بر چه اساسی است و چه سازوکارهایی برای جلوگیری از جانبداری سیاسی وجود دارد. گام بعدی، تقویت نهادهای نظارتی حرفه‌ای و مستقل است؛ نهادهایی که بتوانند عملکرد رسانه ملی را بر پایه معیارهای تخصصی و رسانه‌ای ارزیابی کنند نه ملاحظات سیاسی و جناحی. همچنین افزایش تنوع دیدگاه‌ها در برنامه‌های مختلف می‌تواند به تقویت جایگاه صداوسیما به عنوان رسانه‌ای فراگیر کمک کند؛ به‌ویژه در موضوعات حساسی مانند سیاست خارجی، مذاکرات و مسائل راهبردی کشور. در نهایت، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، توجه به منافع ملی است. در شرایطی که کشور با چالش‌های متعدد اقتصادی و سیاسی روبه‌روست، انتظار می‌رود هر رسانه‌ای که از امکانات عمومی بهره می‌برد، در جهت تقویت انسجام اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و حمایت از تصمیمات قانونی کشور حرکت کند.



عاطفه شمس

گروه سیاسی

از سانسور بخش‌هایی از پیام رهبر انقلاب تا تریبون دادن به چهره‌هایی که مذاکره را «حرام» می‌دانند و تیم دیپلماسی را هدف حملات خود قرار می‌دهند، عملکرد صداوسیما در هفته‌های اخیر بیش از گذشته در معرض انتقاد قرار گرفته است. روز گذشته نیز رئیس‌جمهور برای چندمین بار به عملکرد رسانه ملی اعتراض کرد و هشدار داد که صداوسیما حق ندارد با روایت‌های یک‌جانبه و سیاه‌نمایی، علیه دولت عمل کند. این انتقاد که هم‌زمان با جنجال‌های مربوط به برنامه «خیابان انقلاب» و ماجرای حذف بخش‌هایی از پیام رهبر انقلاب مطرح شد، دوباره توجه‌ها را به نقش و کارکرد رسانه ملی در قبال دولت، مذاکرات و مسئله وحدت ملی جلب کرد. صداوسیما از یک سو به سانسور برخی واقعیت‌های کشور متهم است و از سوی دیگر با در اختیار قرار دادن تریبون به جریان‌های مخالف مذاکره در برابر سیاست‌های رسمی کشور و تیم دیپلماسی قرار گرفته است.

رئیس‌جمهور که در هفته‌های اخیر بارها نسبت به نحوه پوشش اخبار و تحلیل‌های سیاسی در رسانه ملی انتقاد کرده این بار نیز با اشاره به شرایط حساس کشور و محدودیت‌هایی که دولت به دلیل ملاحظات امنیتی و منافع ملی در بیان برخی واقعیت‌ها با آن مواجه است، تأکید کرد هیچ رسانه‌ای،

به‌ویژه رسانه‌ای که از بودجه عمومی استفاده می‌کند، حق ندارد با روایت‌های یک‌جانبه و غیرمستند موجب تشویش افکار عمومی و سیاه‌نمایی عملکرد دولت شود.

اظهارات مسعود پزشکیان در حالی مطرح می‌شود که کشور همچنان با پیامدهای فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها، تنش‌های منطقه‌ای و مذاکرات حساس دیپلماتیک روبه‌رو است. از نگاه رئیس‌جمهور در چنین شرایطی انتظار می‌رود همه نهادهای به‌ویژه رسانه ملی، در جهت تقویت اعتماد عمومی، حفظ آرامش جامعه و حمایت از تصمیمات کلان کشور حرکت کنند. با این حال به نظر می‌رسد، فاصله میان این انتظار و آنچه در عمل از عملکرد صداوسیما مشاهده می‌شود روزبه‌روز در حال افزایش است.

هشدارهای بی‌پاسخ رئیس‌جمهور به رسانه ملی

پزشکیان پیش‌تر هم در دیدار با مدیران این سازمان با اشاره به برخی تحلیل‌ها و مواضع مطرح شده در برنامه‌های رسانه ملی هشدار داده بود که هر سخن و تحلیلی که موجب شکاف و دوقطبی‌سازی در جامعه شود عملاً آب در آسیاب دشمن ریختن است.

رئیس‌جمهور در آن دیدار تصریح کرده بود که هیچ تصمیمی در جمهوری اسلامی خارج از چارچوب شورای عالی امنیت ملی و بدون اذن رهبری اتخاذ نمی‌شود. او همچنین نسبت به بازنشر گزینشی برخی بیانات درباره مذاکره انتقاد کرد و گفت در مواردی تلاش شده چنین اتفاقی نشود که نظام به‌طور مطلق مخالف مذاکره است درحالی‌که چارچوب سیاست خارجی کشور همواره بر مبنای حفظ عزت، حکمت و مصلحت تعریف شده است.

پزشکیان در نشست با مدیران وزارت علوم هم از «نیاز به بازنگری جدی در رسانه ملی» گفت و هشدار داد که برخی روایت‌ها و تحلیل‌های ارائه شده در این رسانه می‌تواند، تصویری غیرواقعی از شرایط کشور به جامعه منتقل کند. اهمیت این انتقادات زمانی بیشتر می‌شود که به سابقه برخورد صداوسیما با سخنان و مواضع رئیس‌جمهور توجه کنیم؛ از قطع پخش زنده برخی اظهارات او گرفته تا حذف یا کم‌رنگ شدن بخش‌هایی از مواضع دولت در بخش‌های خبری همگی نشانه‌هایی از برخورد سیاسی و جناحی رسانه ملی هستند.

با این حال دامنه انتقادات از صداوسیما در هفته‌های اخیر تنها به نحوه پوشش اخبار دولت محدود نبوده است. یکی از مهم‌ترین حاشیه‌های اخیر، حذف بخش‌هایی از پیام رهبر انقلاب در جریان پخش تلویزیونی بود. هرچند صداوسیما این اتفاق را «اشتباهی سهوی» دانست و بابت آن عذرخواهی کرد اما منتقدان معتقدند، بخش حذف شده اتفاقاً از مهم‌ترین فرازهای این پیام بوده است؛ بخشی که در آن نسبت به ایجاد بدبینی، اختلاف، یأس و سرخوردگی در جامعه هشدار داده شده و تأکید شده بود هر اقدامی که موجب بدبینی مردم شود، در عمل کمک به دشمن محسوب می‌شود. همین موضوع باعث شده برخی تحلیلگران میان انتقادات اخیر



بیروت زیر آتش

نتانیاهو حملات خود به لبنان را از سر گرفت آیا او به مذاکرات ایران و آمریکا شلیک می کند؟



جنگ‌های جنگنده اسرائیلی به دویر، در نزدیکی نبطیه، در شمال رودخانه لیتانی حمله کردند.

روز شنبه نیز وزارت بهداشت لبنان اعلام کرد که در نتیجه حملات و بمباران رژیم اسرائیل به مناطق مختلف جنوب لبنان در روز شنبه ۱۴ نفر شهید و ۳۱ نفر دیگر زخمی شدند. بر اساس این آمار در میان شهدا اسامی دو افسر و یک نظامی ارتش لبنان نیز دیده می‌شود. وزارت بهداشت لبنان همچنین اعلام کرد که در حمله هوایی اسرائیل به منطقه «السکسکه» در جنوب کشور، دو نفر شهید و ۲۲ نفر دیگر زخمی شدند که در میان مجروحان، نام سه کودک و یک زن نیز دیده می‌شوند. در همین حال شبکه المیادین گزارش داد که جنگنده‌های اسرائیلی شهرک «حارص» در شهرستان بنت جبیل را هدف حمله هوایی قرار دادند. همچنین توپخانه ارتش رژیم اسرائیل، شهرک‌های «جیشیت» و «عبا» در شهرستان نبطیه را گلوله‌باران کرد.

بر اساس گزارش‌های میدانی، شهرک «دیرکیفا» در شهرستان صور نیز هدف حمله هوایی اسرائیل قرار گرفت که به دنبال این حمله نیز دست‌کم یک نفر شهید شده است. یدیعتو آحرانوت نیز در همین راستا مدعی شد: ایالات متحده پیش از این در جریان حمله به بیروت قرار گرفت، این حمله با هماهنگی سیاسی-امنیتی حساسی انجام شد. در این مرحله، ارزیابی این است که از ایران انتظار نمی‌رود به

منابع خبری از وقوع چندین انفجار در ضاحیه جنوبی در بیروت خبر داده‌اند. رسانه‌های اسرائیلی می‌گویند، در این حمله، آپارتمانی در منطقه المریج در ضاحیه با سه موشک هدف قرار گرفته است. این منابع ادعا کردند که هدف مورد نظر یک مرکز فرماندهی و کنترل حزب‌الله بوده است. همزمان ارتش اسرائیل با تایید این خبر اعلام کرد که ضاحیه را هدف قرار داده و گفته، ما در حال حاضر به زیرساخت‌های حزب‌الله در جنوب بیروت حمله می‌کنیم.

شبکه اسکاکی نیز عربی نیز به نقل از منابع خود گزارش داد که هدف حمله در ضاحیه بیروت، یک مقرر فرماندهی حزب‌الله بوده است و نه یک عضو یا فرمانده مشخص این سازمان. این حمله در حالی صورت گرفته که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا ادعا می‌کرد، اجازه حمله اسرائیل به ضاحیه جنوبی بیروت را نخواهد داد. دفتر نتانیاهو نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد، ارتش اسرائیل تحت هدایت نتانیاهو و اسرائیل کاتر وزیر جنگ این رژیم، حمله‌ای را به مقر حزب‌الله در حومه جنوبی بیروت انجام داده است.

دفتر نخست‌وزیری اسرائیل مدعی شده، حملات به حومه جنوبی پاسخی به آتش حزب‌الله به اسرائیل است. بنابر گزارش‌ها، هواپیماهای جنگی اسرائیل حمله‌ای را به شهر سرینفا در شهرستان صور آغاز کردند. رسانه‌های محلی همچنین گزارش دادند که

ادامه تیتیر یک

طور مستقیم به این حمله واکنش نشان دهد، حداقل در کوتاه‌مدت. چند روز پیش نیز سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه هشدار داد که هرگونه حمله به لبنان، عواقب سنگینی خواهد داشت و در صورت تداوم تجاوزات اسرائیل به بیروت، نیروهای مسلح ما آمادگی کامل دارند تا جنگ را از سر گرفته و اهدافی را در داخل اسرائیل هدف قرار دهند. عیبد نیست که اسرائیل با توجه به چنین حمله‌ای بخواند واقعا میزان عمل ایران را بسنجد. با این وجود رسانه‌های عبری در این باره نوشتند که یک حمله محدود در بیروت انجام شد و ارتش اسرائیل ارزیابی کرده است که ایران به طور مستقیم به اسرائیل پاسخ نخواهد داد. با این حال صدواسیمیا اعلام کرد: قرارگاه خاتم‌الانبیاء برای عملیات وعده صادق ۵ آماده است.

اقدامات تهاجمی اسرائیل علیه محور مقاومت در منطقه در حالی صورت می‌گیرد که پیشرفت‌هایی در مذاکرات ایران و آمریکا حاصل شده است و تل‌آویو نگران است که ترامپ امتیازاتی به ایران بدهد. تحرکات اسرائیل نشان می‌دهد که نتانیاهو می‌خواهد به هر قیمتی جلوی هر گونه توافق تهران-واشنگتن را بگیرد. به نوشته نیویورک تایمز به گفته برخی از مقام‌های آمریکایی، تلاش‌های فزاینده اسرائیل

برای تشدید حملات علیه حزب‌الله تصویب کرده است.

آسیای میانه و قفقاز

برسر دوراهی غرب و روسیه

انتخابات پارلمانی ارمنستان آغاز شد

گروه بین‌المللی: ارمنستانی‌ها روز یکشنبه برای شرکت در انتخابات پارلمانی پای صندوق‌های رأی رفتند. این انتخابات پس از سال‌ها آتسوب از زمان به قدرت رسیدن پاشینیان در یک انقلاب خیابانی در سال ۲۰۱۸ برگزار می‌شود. در این انتخابات، شهروندان ارمنستان برای تعیین ترکیب پارلمان در پنج سال آینده رأی خواهند داد. برنده این انتخابات که اکثریت را کسب کند، نخست‌وزیر و در واقع رئیس اجرایی کشور را تعیین می‌کند. تا پیش از سال ۲۰۱۸ ارمنستان یک جمهوری ریاستی بود که رئیس‌جمهور توسط رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شد. اما پس از همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۸ ساختار سیاسی به «جمهوری پارلمانی» تغییر یافت. در مجموع ۱۸ جریان سیاسی (شامل ۱۶ حزب و ۲ ائتلاف) با ۲۱۰۳ نامزد در این رقابت حضور دارند همچنین ۸ هیات نظارتی بین‌المللی و ۱۳ هیات داخلی در روند رأی‌گیری و شمارش آرا پس از بسته شدن صندوق‌ها در ساعت ۲۰ نظارت می‌کنند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، «حمایت کامل خود را برای انتخاب مجدد» به پاشینیان، «دوست و رهبر بزرگ» اعلام کرده است. زمان‌بندی امضای توافق وزیران خارجه ارمنستان و آمریکا نیز از نظر سیاسی و راهبردی معنادار است. این سفر در شرایط تهدید روسیه به اعمال فشار اقتصادی و در پی تنش‌های منطقه‌ای صورت گرفت و تنها چند روز پیش از انتخابات انجام شد؛ اقدامی که هم سینگال ژنوپلیتیکی بود و هم اثرگذاری انتخاباتی. رقیب اصلی نیکول پاشینیان، میلیاردر سامول کاراپتیان است که ثروت خود را در روسیه به دست آورده است. او در بازداشت خانگی است- منتهم به توطئه برای سرنگونی دولت- و این کمپین را از طریق برادرزاده‌اش اداره می‌کند. پاشینیان بر اساس دکترین خود مبنی بر «ارمنستان واقعی»- کشوری در صلح با آذربایجان و ادغام شده در اروپا، به جای کشوری که با جاه‌طلبی‌های ارضی و وابستگی به مسکو تعریف می‌شود- رقابت می‌کند. حمایت از او ممکن است از بین رفته باشد اما برای بسیاری از رأی‌دهندگان، او تنها جایگزین برای بازگشت به گذشته‌ای است که با فساد و اقتدارگرایی آغشته شده است.



به ایران بدهند».

بقالی به «فردریک پلینگن» گفت: «ایالات متحده باید تحریم‌ها را متوقف کند و اجازه دهد، داریی‌های ایران در اختیار مردم این کشور قرار گیرد. مشکل اصلی مذاکره با این دولت آمریکا آن است که باید با مواضع دائماً در حال تغییر، جابه‌جایی خطوط قرمز و اظهارات متفاوت و متناقض مقام‌های مختلف آمریکایی روبه‌رو شویم. این مساله کل روند مذاکرات را بسیار دشوار و پیچیده کرده است».

بقالی با اشاره به اینکه آمریکا آتش‌بسی که از فروردین ماه به اجرا درآمده است را رعایت نمی‌کند، تصریح کرد: «آنها به کشتی‌های تجاری ما، چه در تگه هرمز و چه در آبهای آزاد، حمله کرده‌اند. وضعیت بسیاری بی‌ثبات و بسیار خطرناک است و همه اینها به دلیل رویکرد بی‌ملاحظه ایالات متحده نسبت به منطقه و اساساً نسبت به آتش‌بسی است».

وی همچنین هشدار داد که نیروهای مسلح ایران ثابت قدم و مصمم هستند که با تمام قوا به هرگونه حمله‌ای پاسخ دهند.

در حالی که ترامپ می‌گوید، عجله‌ای برای پایان دادن به پرونده ایران ندارند، تحلیلگران و ناظران از شکست راهبردی دولت ترامپ در برابر ایران روایت می‌دهند. اندیشکده راست‌گرای «هور» اندیشکده امنیت ملی جمهوری خواهان آمریکا که از نفوذ بالایی در محافل تصمیم‌سازی واشنگتن برخوردار است در مقاله‌ای به قلم «بینگ وست» نوشته و دستیار سابق وزیر دفاع ایالات متحده در امور امنیت بین‌الملل نوشت: ریشه اصلی این مسئله «سندرم ژوپیتر» آمریکا بود. ژوپیتر، خدای رومی، با بی‌احتیاطی آتروخش‌های خود را پرتاب می‌کرد زیرا می‌دانست هیچ خدای کوچک‌تری توان مقابله با او را ندارد. آمریکا نیز در جنگ‌های اخیر خود رفتاری مشابه داشته است. ترومن در سال ۱۹۵۰ نیروهای آمریکایی را به جنگ کره فرستاد بدون آنکه از کنگره مجوز بگیرد. هنگامی که ژنرال ون فلیت نیروهای خسته چین و کره شمالی را در تله انداخته بود، ترومن به جای نابود کردن آنها به توصیه‌هایی برای پذیرش «مذاکرات» گوش داد. در نتیجه، جنگ دو سال دیگر با تلفات فراوان ادامه یافت. در سال ۱۹۶۴ رئیس‌جمهور جانسون با زیرکی کنگره را متقاعد کرد تا با اعزام تدریجی نیروها به ویتنام موافقت کند، در حالی که در محافل خصوصی از غیرقابل پیروزی بودن جنگ شکایت داشت. در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ بوش مجوز کنگره را برای حمله به افغانستان و عراق دریافت کرد اما سپس مأموریت را از سرگونی رژیم‌ها به ملت‌سازی دموکراتیک گسترش داد، بدون

آنکه نیروهای لازم را برای چنین هدفی اعزام کند. او، با ما، بایدن با اهداف بوش موافق نبودند اما سیاست‌های متناقض و نوسانی را در پیش گرفتند تا اینکه در سال ۲۰۲۱ بایدن دستور خروجی آشفته، تحقیرآمیز و کامل از افغانستان را صادر کرد. ترامپ نیز در نهایت با دستیابی به یک توافق که به ایران اجازه می‌دهد اقتصادش را احیا کند، اعلام پیروزی خواهد کرد.

انجامشان خواهند شد.

این تحولات درحالی رقم می‌خورد که درگیری‌ها در جنوب کشور نیز بین ایران و آمریکا همزمان با بسته شدن تگه هرمز و محاصره دریایی آمریکا در جریان است و به اعتقاد ترامپ در این منطقه آتش‌بسی به این معناست که با شدت ملامت‌تری شلیک می‌کنید!

در این فضای بی‌اعتمادی دوجانبه شدید، ایران در تلاش است تا به هر نحوی که شده، داریی‌های بلوکه شده خود را آزاد کند و دولت ترامپ نیز ترجیح می‌دهد با کمترین نرمش، امتیازی برای خود بخرد. ایران به صراحت اعلام کرده که اگر داریی‌های بلوکه‌شده خود را به صورت نقدی دریافت نکند در مورد ادامه گفت‌وگوها تجدیدنظر خواهد کرد. همزمان خبرهای ضد و نقیضی نیز در این رابطه شنیده می‌شود. نیویورک‌پست مدعی شد اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، قصد دارد برنامه جدیدی را برای کمک به متحدان خلیج فارس در بازسازی پس از یک سری حملات ایران اجرا کند که هزینه آن از طریق داریی‌های خود ایران تأمین می‌شود.

این رسانه به نقل از یک منبع نزدیک به بسنت نوشت: «خزانه‌داری از تمام ابزارهای موجود استفاده خواهد کرد تا داریی‌های ایران در اختیار متحدان خلیج فارس ما قرار گیرد تا از بازسازی و تعمیرات هرگونه خسارت آینده ناشی از ایران حمایت شود».

در این راستا بسنت به تیم خود دستور داده است تا شرایط را در میان متحدان خلیج فارس ما ارزیابی کنند و درخواست برآورد جامعی از هزینه‌های مرتبط با تعمیر خساراتی که ایران از زمان آغاز درگیری وارد کرده است، داشته باشند. خزانه‌داری همچنین بررسی خواهد کرد که آیا می‌توان از داریی‌های ایران برای پشتیبانی از تعمیرات خسارات گذشته استفاده کرد یا خیر. اگر



محرمانه به ایران

نقوی در دیدار با همتای ایرانی خود در تهران، بیان کرد: ایران و پاکستان روابطی برادرانه با یکدیگر دارند و هنگامی که مشکلی برای یکی از برادران پیش می‌آید، برادر دیگر نیز آن را احساس خواهد کرد. امیدواریم این بحران‌ها با تلاش‌های شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان و فیله مارشال عاصم منیر، رئیس ستاد ارتش پاکستان به زودی پایان یابد.

وزیر کشور پاکستان در ادامه از قالیباف، مومنی و عراقچی تقدیر کرد و گفت: امیدواریم بتوانیم این موضوع را به نتیجه برسانیم. نقوی با اشاره به پیام مهمی که برای تحویل آن وارد ایران شده است، اظهار کرد: من اینجا هستم تا نامه و ویژه‌ای را از سوی فیله مارشال ژنرال عاصم منیر، فرمانده ستاد ارتش پاکستان و نخست‌وزیر شهباز شریف درباره شرایط فعلی به آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، تحویل دهم. فکر می‌کنم این پیام، پیام مهمی باشد.

امیدوارم همه چیز به خوبی پیش برود و به پایان برسد. سفر نقوی درحالی انجام شد که به ادعای العربیه منابع خبری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا به میانجی‌ها گفته نمی‌شود، مذاکرات پیش از ۶۰ روز ادامه داشته باشد و ایران باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به پیشنهادها مطرح‌شده پاسخ دهد. آتش بس ایران و آمریکا در ۱۹ فروردین حاصل شد که اگر ادعای العربیه درست باشد این موعد در ۱۹ خرداد ماه به پایان می‌رسد. ترامپ به این سسی نیز با اشاره به اینکه خواستار این نیست که لبنان بخشی از یک توافق کوتاه‌مدت

با ایران باشد. گفت: به عنوان بخشی از هیچ توافقی، مسدود کردن داریی‌های ایران یا هیچ تحریمی را از قبل لغو نخواهم کرد. او گفت: اگر ایران رفتار خوبی داشته باشد و کار خوبی انجام دهد، ما مذاکره را آغاز خواهیم کرد. اگر برای پایان جنگ به توافق برسیم با ایران برای بازیابی و نابودی اورانیوم غنی شده با غنای بالا همکاری خواهیم کرد.

وی در عین حال تهدید کرد: اگر به توافق نرسیم، ارتش ایران را بیش از پیش تضعیف خواهیم کرد تا زمانی که نیروهای ما بتوانند با خیال راحت اورانیوم را بردارند. با این وجود او گفت: ما و ایران به اعضای توافق بسیار نزدیک هستیم اما من تهران را تحت فشار قرار می‌دهم تا از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود دست بردارد. می‌خواستم یک بند اضافی اضافه کنم

تا مطمئن شوم ایران نمی‌تواند هیچ توافقی را دور بزند. رهبری جدید ایران منطقی‌تر و باهوش‌تر است و مجتبی خامنه‌ای، بخشی از روند تصویب توافق شده است. اگر رهبر ایران خواهد، من آمادام که مستقیماً با او صحبت کنم اما هنوز مستقیماً با او صحبت نکردم. او مدعی شد: ایرانی‌ها قوی هستند و به خودشان افتخار می‌کنند و کارهایی هست که هرگز انتظار انجامشان را نداشتند اما مجبور به

یاد

شکر و شکایت با نکته‌دان عشق

سپاس برای یاد یار گره‌گشا

سیدعباس دعایی

پژوهشگر

مراسم چهارمین سالگرد مرحوم سیدمحمود دعایی که با برگزاری دعای عرفه در خانه آن مرحوم انجام شد و محفلی معنوی شد که با حضور دوستان مخلص بر صفای آن افزوده شد. محفلی در خانه ساده آن مرحوم که نشان از شیوه زندگی‌اش بود و دور از هر تجملی و چون سلوک آن مرد بی‌نظیر بود، امکانی شد برای دیدار دوستان و کتاب «داستان انسان» که تفسیر و تحلیل زندگی او به قلم دکتر مهاجرانی نگاشته شده، برای یادش به مهمانان حاضر تقدیم شد. آنجا صحبت از مسلک و زندگی آن مرحوم پس از دعای عرفه امام شهیدی که اسوه اخلاقی زنده‌یاد سیدمحمود دعایی بوده، توانست برای درس یافتن از شیوه زندگی آن مرد محفلی عرفانی شود. پس از آن در روز درگذشت آن مرحوم نیز با همراهی دوستانی که در حرم حضرت امام خمینی حاضر بودند، مجلس یادبودی پس از نمازجمعه برگزار شد که حتی بدون اعلام قبلی بود و احترام به نام و یاد آن یار گره‌گشا با حضور بر مزارشان شد. از این طریق از تمامی عزیزانی که به نحوی یاد آن مرحوم را پس از مراسم سالگرد با نشست‌ها و یادبودهایی گرامی می‌دارند، سپاسگزاریم. کاش بتوان این‌گونه یادها را برای داشتن درس از نحوه زندگی خوبان داشت و حضور یافتن در آن مراسم یادبود را احترام به شخص دانست که برگزاری و زحمت برای مراسمی مشابه برای جبران حضور نیافتن فاصله از مسلک واقعی آن زنده‌یاد است که مرام آن زنده‌یاد از این رفتارها البته فاصله داشته است. شاید اگر هر دوست‌داری به هر شکلی تنها برای گرمی داشت یاد همراه شود به هر شکلی این احساس دور شدن از مسلک آن زنده‌یاد حس نخواهد شد و این‌گونه است که در کنار سپاس از یادها، شکایتی برای نکته‌دانان عشق را به‌وجود نخواهد آورد. هرچند به قول سعیدی شیرین بیان «مرد نکونام نمرد هرگز مرده آن است که نامش به نجوی نبرند» همین یادها نشان از ماندگاری راه و روش درست زندگی است. اگر شکر است برای یادهای نیک است که به هر شکلی می‌آید و سخن با نکته‌دانان عشق برای توجه به آن راه و روش است که می‌تواند از برگزاری هر مراسم یادبودی گران‌بهارتر باشد. در پایان باز سپاس‌گزاری‌مان را از همراهی‌ها و تمامی یادها به‌هر نحوی تقدیم می‌داریم و امید داریم به بزرگی کریمان، پیش نهاد توجه به مسلک پدر را بپذیرند که با کریمان کارها دشوار نیست. امید بزرگانگی که در همراهی‌هایشان تحمل زحمات آن را داشتند، عذرمان را بپذیرند که ما سرمنده همراهانیم و جز بیان همراهی‌ها نیست و برای نکته‌دانان عشق حکایتی را جسارتا پیش نهاد دادیم تا یار که را خواهد و می‌لش به که باشد.

وبترین

هم‌نشینی فردوسی و نظامی

درباره کهن‌ترین نسخه شاهنامه در ایران

«شاهنامه فردوسی همراه با خمسه نظامی» نسخه‌ای کهن از شاهنامه فردوسی است که از سه چهار قرن پیش در خاندان قدیمی سعدلو، یکی از خاندان‌های مقیم نجوان و آذربایجان نگهداری می‌شده است. مالک این نسخه برای آنکه پس از او این ودیعه خاندانی تباه نشود و با به دست دلان این‌گونه آثار از کشور بیرون نرود، قصد داشت که آن را در زمان حیات خود در داخل کشور به محل مطمئنی سپارد. سرانجام به راهنمایی اصغر مهدوی، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار و به کوشش عنایت‌الله مجیدی، مدیر کتاب‌خانه و مرکز اسناد مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، این کتاب به مرکز دائرةالمعارف آورده شد و پس از لحاظ صحت و قدمت به شماره ۱۱۱۱ در شمار نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مرکز قرار گرفت. در جلسه‌ای که برای بررسی و تعیین ارزش این نسخه با حضور اصغر مهدوی، عباس زریاب‌خویی، احمد منزوی و سیدفتح‌الله مجتبی‌اشکیل گردید، تعلق آن به سده هشتم تأیید شد. این نسخه به قطع رحلی بزرگ (۳۳×۲۳۳ سانتی‌متر) و شامل ۵۲۹ برگ است که شاهنامه فردوسی از آغاز تا پایان در متن و خمسه نظامی به طور جلیپا در حواشی. صفحات آن، هر دو به یک خط، نوشته شده است. تنها افتادگی این نسخه صفحه آخر آن است که حدود ۳۰ بیت از پایان اقبالنامه نظامی را شامل بوده و یقیناً تاریخ کتابت و احتمالاً نام کاتب و محل استنساخ را نیز در برداشته است اما با توجه به رسم الخط کتاب و برخی خصوصیات املائی و شواهد دیگر شاید بتوان آن را بازمانده از اواخر سده ۷ ق یا نیمه اول سده ۸ ق دانست که معمولاً در نسخه‌ها اشکال املائی قدیم‌تر و جدیدتر در کنار هم دیده می‌شود. این نسخه - گرچه کهن‌ترین یا بهترین نسخه شاهنامه نیست - لیکن بی‌شک کهن‌ترین نسخه شاهنامه شناخته شده در ایران و یکی از کهن‌ترین نسخه‌های این کتاب در جهان است. در این نسخه تمامی شاهنامه به خط نسخ خوب و پخته و خوانا، با قلم فولادی بر کاغذ سمرقندی نسبتاً ضخیم نخودی‌رنگ نوشته شده است. متن صفحات با خطوط طالی در چهار ستون جدول‌بندی شده و هر صفحه شامل ۵۰ بیت شاهنامه در متن و ۲۵ بیت خمسه نظامی در حواشی است (جز در مواردی که عنوان‌ها و سرفصل‌ها جای چند بیت را گرفته است) و سه لچک گل و پوئه ظریف در آغاز و میان و پایان هر حاشیه با شنگرف و طلا نقاشی شده است. چنین به نظر می‌رسد که جدول‌بندی صفحات و تحریر سرفصل‌ها و عنوان‌های حواشی بعد از تحریر متن صورت گرفته است زیرا در چند مورد فاصله میان متن و حاشیه و در فواصل ستون‌ها، ایباتی به خط اصلی افزوده گشته که خطوط جدول در دو سر آنها قطع شده و از آنها نگذشته است. بعضی از سرفصل‌ها و عنوان‌های حاشیه نیز یا نوشته نشده یا به خط جدیدتری افزوده شده است.

در صفحه اول کتاب به طریقی بسیار زیبا و ظریف تذهیب کاری شده و بر لوحه‌های رنگین بالا و پایین این دو صفحه این دو بیت دیده می‌شود:

کسی در باب فردوسی چه گوید
که او رمزبست از سر الهی
روان آب حیات اندر سیاهی
به شه‌نامه نظر کن تا ببینی

از صفحه ۴ تا ۱۰۳۶ شاهنامه در متن و خمسه نظامی در حواشی است و از صفحه ۱۰۳۲ تا پایان (ص ۱۰۷۶) متن و حواشی را بقیه اسکندرنامه نظامی گرفته و چنانکه گفته شد صفحه آخر که در حدود ۲۰ بیت از «اقبال‌نامه» را شامل می‌شده، افتاده است. این نسخه بدون تصویر است و مقدمه‌ای ندارد و شمار ابیات شاهنامه در آن نزدیک به ۴۹ هزار است. انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ عکسی این نسخه بی‌نظیر از شاهنامه را در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد.

تأملات روزهای جنگ

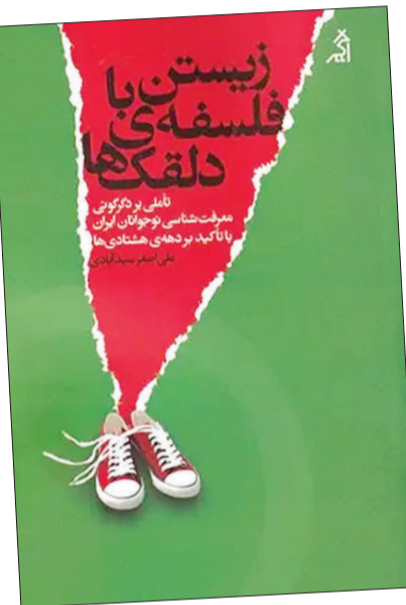
انتشار هم‌زمان نسخه فارسی و انگلیسی روزنوشت‌های **علی اصغر سیدآبادی** از جنگ ۴۰ روزه

نشر انگلیسی NOP کتاب «وقتی گنجشک‌ها مضطرب می‌شوند!» روزنوشت‌هایی از تهران در جنگ ۴۰ روزه» را به زودی منتشر می‌کند. نسخه فارسی کتاب نیز به زودی در ایران توسط نشر اگر منتشر خواهد شد. علی اصغر سیدآبادی نویسنده و پژوهش‌گر این یادداشت‌ها را از ۹ اسفند هم‌زمان با حمله آمریکا و اسرائیل به ایران آغاز و تا یک روز پس از آتش‌سپس ادامه داده است.

سیدآبادی از آغاز این یادداشت‌ها را به‌صورت روزانه و برای نویسندگان بین‌المللی کتاب‌کودکان و نوجوانان نوشته و کتاب علاوه بر ۵۰ روزنوشته شامل واکنش‌ها و گفت‌وگوهای ۴۴ نویسنده و هنرمند از کشورهای آمریکا، انگلستان، ژاپن، فرانسه و... است.

روایتی صمیمی از تهران در دوره‌ای سرشار از خطر

نیک اون، ناشر انگلیسی کتاب در متنی دلیل انتخاب این کتاب برای انتشار را توضیح داده است: «در ایران یک ضرب‌المثل مشهور وجود دارد: «کار، کار انگلیسی‌هاست.» هرچند دولت بریتانیا در آغاز جنگ آمریکا علیه ایران از آن حمایت نکرد اما این دولت -ملت در طول دهه‌های گذشته در این منطقه کارنامه چندان درخشان‌ی از خود بر جای نگذاشته است. بسیاری از ما که در انگلستان بزرگ شده‌ایم و از دور به درگیری‌های پایان‌ناپذیر خاورمیانه نگاه کرده‌ایم، اغلب احساس کرده‌ایم که نته‌تها در فهم این منازعات درمانده‌ایم بلکه حتی نمی‌دانیم چگونه می‌توان در حل آن‌ها سهمی داشت. تنها در بیش از ۲۰ سال گذشته، بسیاری از کسانی که گمان می‌کردیم متفکرانی پیش‌رو هستند و می‌توانند، نقشی مؤثر در برقراری صلح در منطقه ایفا کنند به نسخه‌های دیگری از همان جنگ‌طلبان تبدیل شدند و هم‌چنان به ویرانی دامن زدند. مشارکت دولت بریتانیا در جنگ عراق، نمونه‌ای



گزارش: فوتبال ایران

مصائب تیم ملی

گزارشی از روزهای سخت ایران در جام جهانی

معنای حرف‌هایش را نمی‌فهمند به سیامک قلیچ‌خانی که نزدیک‌ترین فرد و صمیمی‌ترین دوستش است، چیزی می‌گوید. سرمربی تیم ملی اما فراموش کرده است که این ویدئو قرار است در ابعاد میلیونی توسط مخاطبان فارسی‌زبان دیده و به اشتراک گذاشته شود. چه بسا اگر می‌دانست، طور دیگری رفتار می‌کرد. ماجرا این است که وقتی اعضای تیم در حال سوار شدن به اتوبوس هستند، امیر قلعهنوی به یار رسانه‌ای خودش می‌خواهد که برود به یکی از بازیکنان بگوید: «فلانی گفت سوار اتوبوس نشو!» قلیچ‌خانی بلند می‌شود و از اتوبوس پایین می‌آید تا ماموریت محوله را انجام دهد و مثل فیلم‌های رابرت آلتمن، دوربین هم همراه او از اتوبوس خارج می‌شود تا این جملات که او به بازیکنی خارج از قاب می‌گوید هم در ویدئو باشد: «امیر(قلعه‌نوی) الان آتیشی ...» کسی که خیلی زود خبرنگاران ورزشی متوجه شدند، امید نورافکن است. بازیکنی که زمانی محبوب امیر قلعهنوی بود و امیر برای

بازیکنان تیم ملی ایران که کت‌های آبی روی پیراهن‌های سفید پوشیده بودند، عصر شنبه هتل ماردان پالاس در آنتالیا را ترک کردند و با یک هواپیمای اختصاصی از فرودگاه این شهر مستقیم راهی مکزیک شدند تا یکی از متفاوت‌ترین تورنمنت‌های تاریخ فوتبال ایران را تجربه کنند.

شرایط دشوار تیم

اصل مطلب این است: طبق مقررات جام جهانی، تمامی تیم‌ها موظف هستند که یک روز پیش از مسابقه وارد شهر محل برگزاری شوند و در نشست خبری رسمی ورزشگاه شرکت کنند. این قانون بازی‌های جام جهانی است اما دربارۀ تیم ملی ایران صدق نمی‌کند. بازیکنان و اعضای تیم ملی ایران که کمپ تمرینی مسابقاتشان را در تیخوانا مکزیک برگزار کرده‌اند باید روز مسابقه به لس‌آنجلس از ایالت کالیفرنیا در آمریکا بروند، مسابقه‌شان را برگزار کردند و دوباره به مکزیک برگردند: «ما می‌توانیم صبح وارد شویم و باید همان روز خارج شویم.» این را ابوالفضل پسندیده، سفیر ایران در مکزیک در آخرین اظهارنظرش درباره سفر تیم ملی به مکزیک گفته است. حالا و با این شرایط باید گفت تیم ملی ایران که یکی از راحت‌ترین صعودهایش به جام جهانی را تجربه کرده بود حالا سخت‌ترین و متفاوت‌ترین تورنمنتش را پیش‌رو دارد.

فضای تیم ملی پیش از سفر

انتشار یک ویدئو از اتوبوس تیم ملی ایران از زاویه دوربین خبرنگاران ترکیه‌ای که برای تهیه آخرین گزارش به اردوی تیم رفته بودند، حواشی تازه‌ای برای تیم ملی رقم زده است. امیر قلعهنوی که مثل همیشه وقتی عصبانی می‌شود از کوره درمی‌رود احتمالاً به خیال اینکه خبرنگاران ترکیه‌ای

انتشارات ما با یک باور ساده بنیان گذاشته شد: این‌که ناشران کوچک و مستقل نه‌تنها وظیفه دارند خوانندگان را سرگرم کنند بلکه مسئولیت دارند، روایت‌هایی را جدی بگیرند که ممکن است هرگز شنیده نشوند. ما کتاب‌هایی منتشر می‌کنیم که انسانی، متمایز و اندیشمندانه هستند و گاه طبقه‌بندی‌شان دشوار است. برخی طنزآمیزند، برخی تأمل‌برانگیز و برخی عامدانه نامتعارف. اما ما متعهدیم که در قلب هر کتابی که منتشر می‌کنیم «صدایی» وجود دارد: برآمده از چشم‌انداز فردی، تجربه زیسته، یادداشت حاشیه‌ای، مشاهده شخصی و روایتی که از زاویه‌ای متفاوت با روایت رسمی نوشته شده است. «کتاب وقتی گنجشک‌ها مضطرب می‌شوند!» یادداشت‌هایی از تهران در جنگ» کاملاً در همین سنت جای می‌گیرد. این کتاب بافت و جنس زندگی روزمره را در زیر فشار شرایطی استثنایی ثبت می‌کند. از خلال یادداشت‌های روزانه، تأملات، خاطرات و مشاهدۀهای دقیق به خوانندگان اجازه می‌دهد، تجربه کنند که جنگ با زمان، زبان، خانواده، دوستی، شوخ‌طبعی، ترس و امید چه می‌کند. ما این کتاب را منتشر می‌کنیم زیرا از مکانی سخن می‌گوید که اغلب درباره آن صحبت شده اما کمتر به آن گوش سپرده‌اند. این اثر روایتی صمیمی از تهران در دوره‌ای سرشار از خطر و بی‌اطمینانی ارائه می‌دهد اما در عین حال از مرزهای یک شهر و یک درگیری فراتر می‌رود. این کتاب می‌پرسد، وقتی رویدادهای عمومی به حریم زندگی خصوصی هجوم می‌آورند، انسان بودن چه معنایی پیدا می‌کند. می‌پرسد چگونه آدم‌ها همچنان به پرندگان، غذا، شوخی‌ها، کتاب‌ها، همسایه‌ها و آب‌وهوا توجه می‌کنند، درحالی که تاریخ پشت پنجره ایستاده و پر زندگی‌شان فشار می‌آورد. برای یک ناشر مستقل این موضوع اهمیت دارد. انتشار این کتاب همچنین بازتاب باور ما به این است که کتاب‌ها می‌توانند میان مرزها پیوند ایجاد کنند. در زمانی

انتقال او به سپاهان مدت‌ها مورد هجوم سکولای استقلالی قرار گرفت در آخرین اردوی تیم ملی در اتفاقی دور از انتظار از لیست نهایی کنار گذاشته شد.

درباره دلایل این رفتار سرمربی تیم ملی بسا یکی از بازیکنانی که قرار بود همراه تیم به عنوان بازیکن رزرو به مکزیک برود، می‌توان به اخبار و شایعاتی که از اردوی تیم ملی بیرون آمده، اتکا کرد که براساس آن هافبک تیم ملی از خط خوردن ناراحت بوده است و قصد نداشته با تیم به سفر مکزیک برود. اتفاقی که گویا قلعهنوی هم با یک حرکت تیبیبی آن را اجرای کرده است.

شمارش معکوس تا جام جهانی

کمتر از ۱۰ روز تا آغاز جام جهانی برای تیم ملی ایران مانده است. تیم ملی ایران روز سه‌شنبه ۲۶ خردادماه در ورزشگاه سای‌فای شهر لس‌آنجلس به مصاف تیم ملی نیوزلند می‌رود. ۸ سال قبل و در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه



نقد: سینمای ایران

پوچ در پوچ

نگاهی به فیلم: «تاکسیدرمی» ساخته محمد پایدار

همه چیز از یک وسوسه شروع

می‌شود: وسوسه شکار چیزی که

انگار مدت‌هاست از این سرزمین رفته

اما هنوز عده‌ای بویش را در هوا حس

می‌کنند. فیلم، قصه چند مرد آشفته و ولگرد حاشیه‌نشین نیست؛ قصه آدم‌هایی است

که میان میل به تصاحب و ترس از تهی شدن مدام دور خودشان می‌چرخند. گوزن

زرد ایرانی در این فیلم فقط یک حیوان نادر نیست؛ موجودی است که هر کس تصویر

خودش را روی پوستش می‌اندازد، یکی دنبال افتخار است، یکی پول، یکی اثبات

مردانگی پوسیده‌اش و دیگری فقط می‌خواهد برای چند ساعت احساس کند هنوز

چیزی در این دنیا از دستش برمی‌آید. مجید صالحی در نقش یکی از شکارچی‌های از

نفس افتاده ماجرا. حسن معجونی در نقش مردی مرموز و عبوس و هادی کاظمی در

قالب شخصیتی که میان لودگی و خشونت معلق مانده است. عنوان «تاکسیدرمی» از

همان ابتدا مسیر فیلم را لو می‌دهد؛ هنر خشک کردن و نگه داشتن اندام مرده، طوری

که هنوز زنده به نظر به می‌رسد. فیلم دقیقاً درباره همین وضعیت است؛ آدم‌هایی

که راه می‌روند، شوخی می‌کنند، داد می‌زنند و نقشه می‌کشند. اما چیزی درونشان

سال‌ها پیش متوقف شده است. انگار کارگردان به جای ساختن یک کمدی معمولی،

ویرینی از بدن‌های متحرک ساخته که فقط ادای زیستن را درمی‌آورند. فیلم از آن

کمدی‌هایی نیست که هر پنج دقیقه منتظر تکه کلام و شوخی تلگرامی باشی. خنده

در فیلم «تاکسیدرمی» بیشتر شبیه سرفه‌ای عصبی عمل می‌کند. موقعیتی که روی

کاغذ خنده‌دار است، ناگهان بوی زنگ‌زدگی می‌گیرد. مردانی که با ژست شکارچی

وارد طبیعت می‌شوند، خیلی زود شبیه کود کانی به نظر می‌رسند که اسلحه را با

اسباب‌بازی اشتباه گرفته‌اند. همین جاست که فیلم حالت نمادین پیدا می‌کند؛ نه

از آن مدل نماد بازی‌های مظاهرانه که هر شیئی قرار است، فلسفه‌ای پنهان داشته

باشد؛ بلکه به این معنا که هر اتفاق، سایه بزرگتری پشت خودش حمل می‌کند.

گوزن، تصویر آرزویی است که دیگر به دست نمی‌آید نه در جنگل و نه حتی در آن

سوی اتوبان! شکارچی‌ها، آدم‌هایی هستند که هنوز خیال می‌کنند با تصاحب چیزی

کمیاب می‌توانند، حرف‌ها و چال‌های زندگی‌شان را پُر کنند. طبیعت فیلم هم صرفاً

لوکیشن نیست؛ جایی است که آدم‌ها آهسته تقاب شهری‌شان را از دست می‌دهند و

هیولای خسته زیر پوست‌شان بیرون می‌زنند.

وقتی می‌گویند، فیلم «ایزورد» است یا دیوانه‌وار است، منظور شلوغ‌بازی

بی‌منطق نیست، این فیلم جهانی ساخته که در آن رفتارها کمی بیش از حد عادی

هستند؛ آن قدر عادی که ترسناک می‌شوند. آدم‌ها برای رسیدن به هدفی پوچ،

باجدیتی عجیب پیش می‌روند. هرچه جلوتر می‌رویم، مرز میان شکار و نمایش و

میان غرور و حماقت، کم‌رنگ‌تر می‌شود. تماشاگر اول لبخند می‌زند، بعد مکت

می‌کند و کم کم می‌فهمد، دارد به مراسم عجیبی نگاه می‌کند که هیچ در آن نمی‌داند

دقیقاً چرا ادامه‌اش می‌دهد. یکی از نکات مهم فیلم «تاکسیدرمی» شیوه انتخاب

بازیگران آن است که هیچ‌کدام آن بازی‌های سابق را ندارند. و این امر حائز اهمیت

است. محمد پایدار، سازنده این فیلم اجازه نمی‌دهد، فیلم تبدیل به بیانیه شود.

هیچ‌کس وسط ماجرا درباره اخلاق محیط‌زیست یا بحران اجتماعی سخنرانی

نمی‌کند. همه چیز از دل رفتارها بیرون می‌آید؛ از چشم‌هایی که برق طمع دارند و از

مردانی که در طبیعت گم می‌شوند. اما هنوز ژست فرماندهی می‌گیرند، از رقابتی

که معلوم نیست، جایزه‌اش دقیقاً چیست.

«تاکسیدرمی» گاهی شبیه کابوسی آفتاب‌خورده است. هواروشن است،

آدم‌ها حرف نمی‌زنند، شوخی می‌کنند، غذا می‌خورند اما زیر این سطح روزمره،

بوی پوسیدگی آهسته و پیوسته بالا می‌آید. فیلم تماشاگر را وادار نمی‌کند، کسی را

دوست داشته باشد. حتی قهرمان مشخصی هم وجود ندارد. همه کمی تا اندازه‌ای

مضحک‌اند، کمی درمانده و کمی خطرناک. آدم‌ها در «تاکسیدرمی» دور لاشه

آرزوهایشان پرسه می‌زنند؛ مثل شکارچیانی که دیر رسیدند و حالا میان پوست‌ها

و استخوان‌ها دنبال نشانه‌ای از حیات می‌گردند. این فیلم با ایده شکار گوزن زرد

این ظرفیت را داشت که به هجوی تلخ درباره‌های حفاظت از محیط جنگل‌ها

و مناسبات نمایشی مراقبت از حیات وحش تبدیل شود، جهانی که در آن از حفظ

گونه‌های نادر حرف می‌زنند. اما میل به نابودی و تصاحب زیر پوست همان شعارها

جریان دارد. «تاکسیدرمی» گاه به این لایه نزدیک می‌شود به‌خصوص وقتی

شکارچی‌ها بیشتر شبیه کارمندان سردرگم‌اند تا مردانی ماجراجو. با این حال این

فیلم در کشف و بسط چنین مضمونی مدام عقب می‌کشد. این فیلم نه جسارت ورود

کامل به هجو سیاسی و اجتماعی را دارد و نه می‌تواند در سطح یک کمدی ابزورد

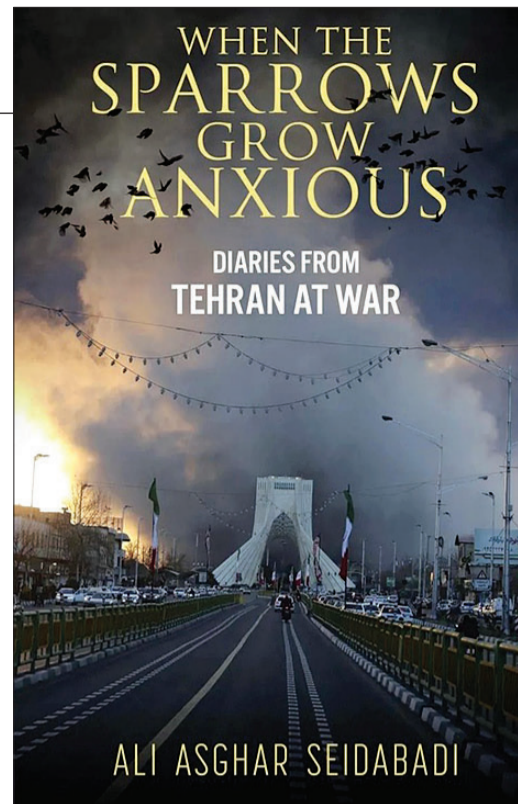
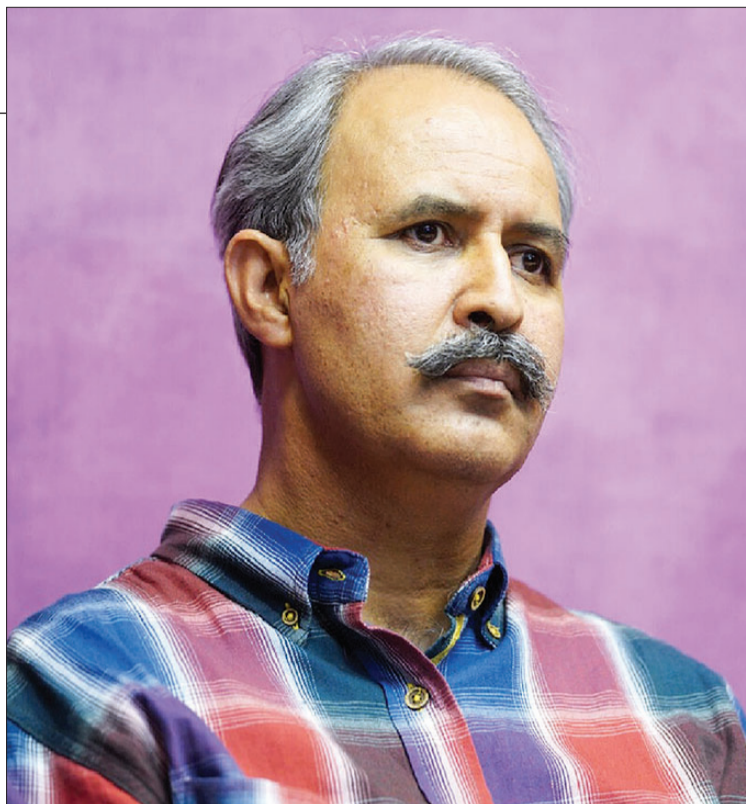
منسجم باقی بماند. همین تعلیق بی‌سرانجام باعث می‌شود که فیلم میان شوخی،

تشبیه و سرگردانی معلق بماند؛ انگار خود فیلم هم دقیق نمی‌داند از گوزن زرد، شکار

و این جغرافیای پریشان دقیقاً چه معنایی می‌خواهد، بیرون بکشد. تماشاگر امروزی

میان انبوه کمدی‌های مهم‌ل و تکراری گاهی صرفاً به دنبال تجربه‌ای غربی‌تر است؛

حتی اگر فیلم بازم بماند، تمام ایده‌هایش را تا انتها پیش ببرد.



هشتادی‌هاست، زمستان سال گذشته توسط نشر اگر منتشر شد. نام کتاب برگرفته از مقاله‌ای از «الشک کولاکوفسکی» است. او فلسفه دلک‌ها و فلسفه کاهن‌ها را دو فلسفه عمده می‌داند و معتقد است، فلسفه کاهن‌ها فلسفه حفظ وضع موجود، نظم موجود یا سنت موجود است. برای کولاکوفسکی، بنیادهای محکمی وجود دارد که می‌خواهد از آن حفاظت کند؛ اما فلسفه دلک‌ها زیروروکننده علیه این نظم است. شیوه زندگی آنها مدام به ما یادآوری می‌کند که آنچه بدان چسبیده‌اید و خیال می‌کنید بنای مستحکمی است الزاماً خیلی چسبیدنی نیست یا اگر چسبیدنی هم هست برای خودتان خوب است و باید بگذارید ما هم بنای خودمان را برپا کنیم؛ بنابراین نتیجه‌گیری نویسنده این است که تحول نوجوانان را نمی‌توان صرفاً ذیل شکاف نسلی تعریف کرد. سیدآبادی بر اساس روایت‌ها، شواهد، داده‌ها و گفت‌وگوهایی که با نوجوانان داشته در این کتاب معتقد است، تحول نوجوانان صرفاً ذیل «شکاف نسلی» یا «شکاف ارزشی» تعریف نمی‌شود و آن‌چه که در حال وقوع است را پیش از هر چیز حاصل دگرگونی معرفت‌شناختی می‌داند.

است و به واسطه حوزه‌های چندگانه پژوهشی و کاری‌اش می‌توان او را نویسنده‌ای مرزی دانست. سیدآبادی در رشته روزنامه‌نگاری در دانشگاه علامه طباطبایی تحصیل کرده و سابقه روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های «چون» (نوروز)، «پاس نو»، «بهار»، «اعتماد ملی» و با نشریات کودک و نوجوان همکاری داشته و سردبیر پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان هم بوده است. پیش از ۶۰ کتاب در زمینه ادبیات کودک و نوجوان و تاریخ از او منتشر شده که از جمله آن‌ها می‌توان به «زیستن با فلسفه دلک‌ها» و «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای» اشاره کرد. سیدآبادی در سال ۱۳۹۷ از سوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به عنوان یکی از کاندیداهای ایرانی برای دریافت جایزه آسترید لینگرن معرفی شد. پاییز سال گذشته هم شورای کتاب کودک، سیدآبادی را به دلیل فعالیت‌های مؤثر و تأثیرگذار خود در ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در ایران به‌عنوان نامزد دریافت جایزه بین‌المللی «من می‌خوانم» معرفی کرده بود.

کتاب «زیستن با فلسفه دلک‌ها» سیدآبادی که تأملی بر دگرگونی معرفت‌شناختی نوجوانان ایران با تأکید بر دهه

که بحث‌های عمومی اغلب به شعارها، سوءظن‌ها و هیاهو فروکاسته شده‌اند، این کتاب خواننده را به نوعی خواندن آرام‌تر و دقیق‌تر دعوت می‌کند. از ما می‌خواهد، روزهای زندگی فرد دیگری را همراهی کنیم، آسیب‌پذیری را بدون احساسات‌گری بشناسیم و درک کنیم که پیامدهای جنگ فقط در تیرهای خبری تجربه نمی‌شوند بلکه در آتش‌خانه‌ها، خیابان‌ها، سکوت‌ها و کش‌های کوچک تاب‌آوری و دوام حضور دارند. ما مفتخریم که این کتاب را به دست خوانندگان می‌سپاریم. این کتاب اثری است، شهادت‌نامه‌ای درباره حافظه و تخیل اخلاقی. هم‌چنین به شیوه‌ای آرام و بی‌ادعا، عملی مبتنی بر اعتماد است، میان نویسنده و خواننده، میان ناشر و مؤلف و میان انسان‌هایی که با وجود فاصله‌های جغرافیایی، با امیدی شکننده اما با کلمه به یکدیگر پیوند خورده‌اند و معتقدند کلمات هنوز اهمیت دارند.»

نویسنده مرزی

علی اصغر سیدآبادی، نویسنده کودک و نوجوان و پژوهش‌گر ادبیات کودک و نوجوان و پژوهش‌گر تاریخ

ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ نسبت به تمام ادوار دیگری که در مسابقات حاضر بود، قرعه و گروه ساده‌تری دارد. شاید بلژیک قدرت بزرگ و غیرقابل شکستی به نظر برسد اما نیوزلند و مصر تیم‌هایی هستند که تیم ملی ایران توان و اعتماد به نفس شکست‌دانشان دارد.

احتمال رویارویی با آمریکا

تیم ملی ایران روز ۳۱ خرداد ۱۳۷۷ در یک قرن جام جهانی فوتبال در ورزشگاه ژرژ لئون در فرانسه به مصاف تیم ملی آمریکا رفت. مسابقه‌ای که در نهایت با برد تیم پرستاره و محبوب ایران به پایان رسید. برد آن بازی یک جشن ملی را ساخت طوری که تا ساعاتی از نیمه شب مردم در تمام شهرها و روستاهای کشور خوشحالی می‌کردند. حالا بعد از ۲۸ سال شاید بار دیگر شرایط طوری رقم بخورد که ایران و آمریکا رودرروی هم قرار بگیرند آن هم که دو کشور طی ماه‌های اخیر درگیر یک جنگ مستقیم بوده‌اند. در صورتی که تیم ملی ایران به عنوان تیم دوم گروه و آمریکا نیز به عنوان تیم دوم گروه خودش به مرحله صعود کنند، آن وقت احتمال این رویارویی دو تیم در مرحله یک شانزدهم نهایی افزایش خواهد یافت. مسابقه‌ای که شاید بتواند لقب بازی قرن بیست‌ویکم را به دست بیاورد. تیم ملی ایران با وجود تمام حواشی و چالش‌ها اکنون در مکزیک حضور دارد و برای مسابقه اولش برابر نیوزلند آماده می‌شود. هرچند تیم ایران برخی ستاره‌های مطرح‌ش را در این جام به همراه ندارد، بازی‌های تدارکاتی نداشته و اردوی تمرینی قابل توجهی برگزار نکرده است اما تاریخ فوتبال و تورنمنت‌های بزرگ ثابت کرده گاهی یک تیم متحد و از نظر روحی و روانی در سطح بالا می‌تواند، دست به کارهای بزرگی بزند. تیم ملی دانمارک قرار نبود در مسابقات جام ملت‌های اروپا ۱۹۹۲ حضور داشته باشد اما وقتی یوگسلاوی حذف شد، بازیکنان دانمارک از تعطیلات و بدون اردوی ویژه‌ای به مسابقات آمدند و با شکست دادن آلمان قهرمان جهان، جام را به دست آوردند. باید دید امیر قلعه‌نویی می‌تواند مانند ریچارد مولر نیلسن سرمربی دانمارک در سال ۱۹۹۲ همراه تیمش کار بزرگی در جام جهانی انجام دهد؟ چند روز دیگر همه چیز مشخص خواهد شد.

عجیب که موجب شده حتی قوانین و مقررات فدراسیون جهانی فوتبال در راستای برگزاری مسابقات جام جهانی نیز زیرسوال برود. با این وصف که تیم ملی ایران نمی‌تواند شب را در خاک آمریکا سپری کند، نکات امیدوارکننده‌ای هم دیده می‌شود. با این حال از طرفی برای علاقمندان به تیم ملی ایران جای خوشحالی دارد که تمامی بازیکنان و کادرفنی تیم توانستند، ویزای حضور در آمریکا را بگیرند. پیش از این صحبت‌هایی درباره احتمال عدم صدور ویزا برای ستاره‌هایی چون مهدی طارمی و احسان حاج‌صفی شنیده می‌شد. تیم ملی ایران بعد از برگزاری اولین دیدار در لس‌آنجلس برابر نیوزلند به مکزیک و کمپ تیتوانا بازمی‌گردد. سپس ۶ روز بعد در همین شهر و در ورزشگاه سای فای با تیم قدرتمند بلژیک بازی خواهد کرد. بازی‌های مرحله گروهی تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ در شهر سیاتل و برابر تیم ملی مصر به پایان می‌رسد. نکته جالب اینجاست که تیم ملی ایران با وجود تمام کمبودها و مشکلاتی که بر سر راه حضور در جام جهانی داشت بیشترین شانسی را نسبت به تمام تیم‌های تاریخ ایران در این تورنمنت برای صعود به مرحله بعدی دارد. اتفاقی تاریخی که در این برهه از زمان می‌تواند، اهمیت بیشتری هم پیدا کند. با توجه به افزایش تعداد تیم‌ها از ۳۲ به ۴۸ تیم در این دوره از مسابقات علاوه بر دو تیم اول هر گروه، هشت تیم برتر سوم گروه‌های دوازده‌گانه نیز به مرحله بعدی صعود می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر این است که براساس رنکینگ جهانی و شرایط تیم‌ها، تیم

در چنین روزی که تیم ملی باید به مصاف نیوزلند برود، بازیکنان و هواداران فوتبال ایران هنوز در جشن پیروزی برابر مراکش بودند. در دوره‌ای که تیم ملی ایران تا یک قدمی صعود به مرحله بعدی رفت و در نهایت با نمایشی قابل احترام جام جهانی را با حذف از مرحله گروهی حذف کرد. در جام جهانی ۲۰۱۴ نیز در روز ۲۶ خرداد تیم ملی ایران در اولین دیدار در برزیل به مصاف تیم ملی نیجریه رفت. مسابقه‌ای که لقب بدترین بازی تورنمنت و یکی از بدترین بازی‌های تاریخ جام جهانی را گرفت. این مسابقه سرد و کم‌حادثه با تساوی بدون گل به پایان رسید. با این وجود تیم ملی ایران در شرایطی کاملاً متفاوت این دوره از مسابقات را تجربه می‌کند. در دوره‌های قبلی نیز همواره انتقادهای زیادی از نبود برنامه‌ریزی دقیق و امکانات و سرمایه‌گذاری لازم برای حضور موفق در جام جهانی شنیده می‌شد اما به جرات می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از مسابقات جام جهانی تیم ملی ایران چنین شرایطی را تجربه نکرده است. در حالی که همه تیم‌های جام جهانی با شرایط کاملاً طبیعی به محل میزبانی مسابقات رسیدند، تیم ملی ایران مجبور شد که کمپ خودش را در کشور مکزیک برگزار کند و برای سه بازی که در آمریکا باید برگزار کند باید ۶ مرتبه از مکزیک به آمریکا پرواز کند. بازیکنان تیم ملی ایران براساس آخرین اخبار براساس یک دستورالعمل ویژه موظف شده‌اند برای سه مسابقه مرحله گروهی خود همان روز وارد آمریکا شده و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت این کشور را ترک کنند. تصمیمی





دیدگاه: یادداشت اقتصادی

چشم‌انداز یک موج

آیا رشد بازار سهام تداوم پیدا می‌کند؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>

معاملات بورس تهران دیروز با موجی قدرتمند از تقاضا به پایان رسید و بازار سهام یک روز معاملاتی عالی را پشت سر گذاشت. رشد گسترده قیمت‌ها، ورود سنگین نقدینگی حقیقی و افزایش چشمگیر تعداد صف‌های خرید باعث شد، بورس بار دیگر در کانون توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد. در پایان معاملات دیروز، شاخص کل بورس با جهش ۱۰۱ هزار و ۷۴۲ واحدی معادل ۲٫۳۲ درصد به ارتفاع ۴ میلیون و ۴۹۳ هزار و ۶۰۹ واحد رسید. این سطح، بالاترین رکورد ثبت شده در تاریخ شاخص کل بورس تهران محسوب می‌شود و نشان می‌دهد، بازار توانسته سقف تاریخی جدیدی را به ثبت برساند. شاخص کل هم وزن نیز عملکردی حتی بهتر از شاخص کل داشت و با رشد ۳۰ هزار و ۳۷۷ واحدی معادل ۲٫۵۹ درصد به سطح یک میلیون و ۲۰۳ هزار و ۷۵۳ واحد رسید. بررسی آمار معاملات نشان می‌دهد، فضای بورس دیروز شباهت زیادی به روزهای اوج رونق بازار پیدا کرده است. در پایان معاملات ۷۷۳ نماد در محدوده مثبت قرار داشتند و تنها ۴۲ نماد با افت قیمت مواجه شدند. همچنین تعداد نمادهای دارای صف خرید به ۶۴۱ نماد رسید، درحالی که فقط ۱۱ نماد در صف فروش قرار داشتند. این آمار نشان می‌دهد که تقاضا در بسیاری از نمادها به مراتب بیشتر از عرضه بوده و خریداران در بخش بزرگی از بازار دست بالا را در اختیار داشته‌اند. ارزش سفارش‌های خرید نیز به حدود ۱۹ هزار و ۸۹۰ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۲۴۸ میلیارد تومان ثبت شد. اختلاف چشمگیر میان این دو عدد، تصویری روشن از برتری مطلق خریداران در معاملات دیروز ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین اتفاقات دیروز، ورود گسترده سرمایه‌های حقیقی به بازار سهام بود. در پایان معاملات بیش از ۵ هزار و ۴۲۱ میلیارد تومان پول حقیقی وارد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی شد که رقمی قابل توجه به شمار می‌رود. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج بیش از ۲ هزار و ۱۳ میلیارد تومان پول حقیقی مواجه شدند. این جابه‌جایی منابع نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران همچنان در حال انتقال سرمایه از ابزارهای کم‌ریسک به سمت بازار سهام هستند. سرانه خرید حقیقی‌ها نیز به ۸/۹۴ میلیون تومان رسید، درحالی که سرانه فروش ۲/۴۹ میلیون تومان ثبت شد. در نتیجه قدرت خرید حقیقی‌ها به عدد ۱/۹۱ رسید که بیانگر برتری محسوس خریداران در بازار دیروز است. ارزش معاملات نیز ۱۴۳۴۷ میلیارد تومان بود که نسبت به روز گذشته همچنین روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه هفته گذشته، عدد کوچک‌تری است. اما دلیل کم شدن ارزش معاملات این است که بخش زیادی از بازار دیروز قفل در صف خرید بود و عرضه زیادی اتفاق نیفتاد. یکی از مهم‌ترین رویدادهای معاملات دیروز، بازگشایی نماد «پارسان» بود. این شرکت در زمره نمادهایی قرار داشت که به دلیل آثار غیرمستقیم جنگ با توقف معاملاتی مواجه شده بود و سهامداران نسبت به نحوه بازگشایی آن نگرانی‌هایی داشتند. با این حال پارسان دیروز با رشد بیش از ۷ درصدی بازگشایی شد و عملکرد آن نگرانی سهامداران را برطرف کرد. تا چند هفته قبل تصور غالب این بود، شرکت‌هایی که به واسطه جنگ دچار آسیب مستقیم یا غیرمستقیم شده‌اند، در زمان بازگشایی با افت‌های قابل توجه مواجه خواهند شد. اما تجربه بازگشایی نمادهایی مانند شپ‌دیس در روزهای گذشته همچنین عملکرد دیروز پارسان نشان داد که بازار نگاه متفاوتی به برخی از نمادهای متوقف دارد و لزوما همه نمادهای متاثر از جنگ قرار نیست با کاهش قیمت بازگشایی شوند. ثبت سقف تاریخی جدید برای شاخص کل، رشد بیش از ۲ درصدی شاخص‌ها، ورود سنگین پول حقیقی و گسترش صف‌های خرید همگی از بازگشت کامل خوش‌بینی به بازار سهام حکایت دارند. در شرایط فعلی، بورس تهران بار دیگر در موقعیتی قرار گرفته که توجه بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاران را به خود جلب کرده و امیدها نسبت به ادامه روند صعودی را افزایش داده است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند، بورس تهران پس از چند سال بازدهی ضعیف نسبت به بازارهای موزای از منظر ارزش‌گذاری در وضعیت بهتری قرار گرفته است؛ اما تحقق یک روند صعودی پایدار نیازمند افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، ثبات سیاسی و بهبود چشم‌انداز اقتصاد کلان است. در سناریوی خوش‌بینانه، کاهش ریسک‌های سیاسی و بهبود انتظارات اقتصادی می‌تواند به ورود نقدینگی و رشد بازار منجر شود اما در سناریوی بدبینانه، تشدید نااطمینانی‌ها ممکن است نوسانات و رکود معاملاتی را تداوم بخشد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

نیت‌ها زیر خاکستر

جوانانی که نه کار می‌کنند و نه درس می‌خوانند، چه آینده‌ای پیش رو دارند؟

سعید خوش‌بین
<div>گروه اقتصاد</div>

از جمعیت حدود ۱۱ میلیون نفری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور نزدیک به ۲ میلیون و ۸۲۳ هزار نفر معادل ۲۵.۶ درصد، در زمره «نیت‌ها» قرار دارند. منظور از نیت‌ها جوانانی هستند که نه در حال تحصیل‌اند، نه شغلی دارند و نه در هیچ‌گونه دوره مهارت‌آموزی یا آموزش حرفه‌ای شرکت می‌کنند. به بیان دیگر بیش از یک‌چهارم جوانان کشور در حساس‌ترین دوره شکل‌گیری سرمایه انسانی و ورود به زندگی اقتصادی، خارج از سه مسیر اصلی رشد و پیشرفت یعنی آموزش، اشتغال و مهارت‌آموزی قرار گرفته‌اند. این آمار زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم، جمعیت نیت‌ها تنها یک شاخص آماری نیست بلکه بازتابی از وضعیت بازار کار، نظام آموزشی، فرصت‌های اقتصادی و حتی میزان امید جوانان به آینده است. در واقع قرار گرفتن یک جوان در وضعیت نیت به این معناست که او نه در حال سرمایه‌گذاری روی آینده خود از طریق آموزش است، نه در بازار کار مشارکت دارد و نه برای افزایش قابلیت‌های شغلی خود مهارت جدیدی فرا می‌گیرد. تداوم این وضعیت می‌تواند به فرسایش سرمایه انسانی، کاهش بهره‌وری نیروی کار و افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی و اجتماعی منجر شود. بررسی ترکیب جنسیتی نیت‌ها نیز ابعاد دیگری از مسئله را آشکار می‌کند. از مجموع ۲ میلیون و ۸۲۳ هزار نفر نیت در کشور حدود ۹۲۸ هزار نفر مرد و یک میلیون و ۸۹۵ هزار نفر زن هستند. به عبارت دیگر، زنان نزدیک به دو سوم جمعیت نیت‌ها را تشکیل می‌دهند. این شکاف قابل توجه نشان می‌دهد که زنان جوان بیش از مردان در معرض خروج از چرخه آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال قرار دارند. چنین وضعیتی می‌تواند ناشی از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد؛ از محدودیت فرصت‌های شغلی برای زنان گرفته تا موانع ساختاری در مسیر مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان. وجود نزدیک به دو میلیون زن جوان در وضعیت نیت، تنها یک مسئله فردی یا خانوادگی نیست بلکه به معنای استفاده نشدن از بخش بزرگی از ظرفیت سرمایه انسانی کشور است. هرچه سهم بیشتری از زنان تحصیل‌کرده یا مستعد از بازار کار و فرآیند مهارت‌آموزی دور بمانند، اقتصاد ملی نیز از بهره‌گیری از توانایی‌ها و استعداد‌های آنان محروم خواهد شد. در نتیجه نرخ پایین مشارکت اقتصادی زنان نه تنها بر درآمد و رفاه خانوارها اثر می‌گذارد بلکه ظرفیت رشد اقتصادی کشور را نیز محدود می‌کند. از سوی دیگر حضور حدود ۹۲۸ هزار مرد جوان در جمعیت نیت‌ها نیز نشان‌دهنده، چالش‌های عمیق بازار کار است. بخشی از این گروه ممکن است به دلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب، دستمزدهای پایین، نااطمینانی‌های

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

فرسایش جنگی

چرا جنگ برای روسیه خوب پیش نمی‌رود؟

مهتا معرفت
<div>مترجم</div>

جنگ برای روسیه آن‌گونه که کرملین در ابتدای تهاجم به اوکراین تصور می‌کرد، پیش نرفته است. یکی از نشانه‌های روشن فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ، کاهش چشمگیر دارایی‌های صندوق ثروت ملی روسیه است. ارزش دارایی‌های نقدشونده این صندوق که پیش از آغاز جنگ حدود ۱۳۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد تا ژوئن ۲۰۲۶ به حدود ۴۸ میلیارد دلار کاهش یافته است. این کاهش نشان می‌دهد که مسکو برای تأمین هزینه‌های جنگ به تدریج ذخایر مالی خود را مصرف کرده و اکنون بیش از گذشته به استقراض داخلی، استفاده از منابع بانک‌ها، افزایش مالیات‌ها و انواع سیاست‌های سرکوب مالی متکی شده است. به بیان دیگر، دولت روسیه بخشی از بار مالی جنگ را به اقتصاد داخلی و شهروندان خود منتقل کرده است. ذخایر طلای صندوق ثروت ملی نیز با افت قابل توجهی مواجه شده است، پیش از حمله تمام‌عیار به اوکراین، این صندوق حدود

اقتصادی یا فاصله میان مهارت‌های آموخته شده و نیازهای بازار کار از جست‌وجوی شغل یا ادامه تحصیل منصرف شده باشند. این وضعیت می‌تواند به گسترش ناامیدی اجتماعی، کاهش انگیزه برای مشارکت اقتصادی و افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر شود. نکته مهم آن است که پدیده نیت‌ها صرفاً یک مسئله آموزشی یا اشتغالی نیست بلکه شاخصی از کیفیت حکمرانی اقتصادی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. هنگامی که بیش از یک‌چهارم جوانان یک کشور خارج از مسیر آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال قرار می‌گیرند این امر می‌تواند، نشانه‌ای از ضعف پیوند میان نظام آموزشی و بازار کار، ناکارآمدی سیاست‌های اشتغال‌زایی، محدود بودن فرصت‌های رشد اقتصادی و کاهش امید به آینده باشد. به همین دلیل کارشناسان این گروه را «آتش زیر خاکستر» اقتصاد جامعه می‌دانند؛ جمعیتی که اگر برای بازگشت آنان به چرخه آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال برنامه‌ریزی نشود، می‌توانند در آینده به یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه کشور تبدیل شوند. از این منظر، کاهش تعداد نیت‌ها تنها با ایجاد شغل امکان‌پذیر نیست بلکه نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ در حوزه آموزش، مهارت‌آموزی، حمایت اجتماعی، توسعه کسب‌وکارها و افزایش مشارکت اقتصادی جوانان است. هر جوانی که از وضعیت نیت خارج شده و به مسیر آموزش، مهارت‌آموزی یا اشتغال بازگردد، در واقع به تقویت سرمایه انسانی، افزایش بهره‌وری و بهبود چشم‌انداز توسعه کشور کمک خواهد کرد.

اما سوال این است که تصمیم‌گیران اقتصادی و سیاسی در برابر جوانانی که نه شاعل‌اند، نه در حال تحصیل و نه در حال مهارت‌آموزی چه مسئولیتی دارند. واقعیت این است که نیت‌ها در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مباحث سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده‌اند. اهمیت این موضوع آنجا ناشی می‌شود که نیت‌ها صرفاً یک گروه آماری نیستند بلکه نشانه‌ای از اختلال در پیوند میان نظام آموزشی، بازار کار، نهادهای حمایتی و ساختارهای اقتصادی یک جامعه به شمار می‌روند. هنگامی که بخش قابل توجهی از جوانان از چرخه آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال خارج می‌شوند، مسئله دیگر فقط بیکاری نیست بلکه نوعی گسست اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد که می‌تواند، آثار بلندمدتی بر رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، اعتماد اجتماعی و ثبات سیاسی بر جای بگذارد. در همین چارچوب، فاطمه عزیزخانی در گفت‌وگو با اقتصادنیوز از پدیده نیت‌ها به عنوان «آتش زیر خاکستر» اقتصاد ایران یاد می‌کند و هشدار می‌دهد که تداوم بی‌توجهی به این جمعیت می‌تواند به افزایش فقر، نارضایتی اجتماعی و حتی ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. به اعتقاد او، بازار کار ایران با بحران همزمان در دو سوی عرضه و تقاضای نیروی کار روبه‌رو است؛ از یک سو نرخ مشارکت اقتصادی کاهش یافته و بسیاری از افراد تمایلی به ورود به بازار کار ندارند و از سوی دیگر بنگاه‌ها نیز به دلیل

نااطمینانی‌های اقتصادی، رکود تولید، بحران انرژی و نوسانات ارزی توان جذب و حفظ نیروی کار را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی بخشی از جوانان نه فرصت شغلی مناسبی پیدا می‌کنند و نه انگیزه‌ای برای ادامه آموزش و مهارت‌آموزی دارند و در نتیجه به جمعیت نیت‌ها می‌پیوندند. عزیزخانی همچنین تأکید می‌کند که سیاست‌های مبتنی بر پرداخت‌های حمایتی و پول‌پاشی بدون ایجاد ظرفیت‌های توانمندسازی نه تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه ممکن است، وابستگی به حمایت‌های دولتی را افزایش دهد و از خروج پایدار افراد از فقر جلوگیری کند. او راه‌حل را در تغییر جهت سیاست‌گذاری به سوی مهارت‌آموزی، افزایش بهره‌وری و توانمندسازی جوانان می‌داند. یافته‌های پژوهش‌های جدید نیز این نگاه را تأیید می‌کنند. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد، نیت‌ها معمولاً محصول تصمیم‌های فردی نیستند بلکه نتیجه انباشت محرومیت‌های آموزشی، اقتصادی و نهادی هستند. در بسیاری از کشورها، احتمال قرار گرفتن در وضعیت نیت برای جوانانی که در خانواده‌های کم‌درآمد رشد کرده‌اند به مراتب بیشتر از سایر گروه‌هاست. همچنین ضعف مهارت‌های شغلی، ناامیدی نسبت به آینده، نبود فرصت‌های برابر و گسست میان نظام آموزشی و نیازهای بازار کار از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این پدیده به شمار می‌روند. از این منظر، نیت‌ها نه یک مسئله فردی بلکه یک شکست نهادی و سیاستی هستند که مسئولیت آن متوجه ساختارهای تصمیم‌گیری است. بر این اساس، مسئولیت تصمیم‌گیران سیاسی و اقتصادی تنها به کاهش نرخ بیکاری یا پرداخت حمایت‌های مالی محدود نمی‌شود. آنان مسئول حفظ و توسعه سرمایه انسانی جامعه‌اند. هر جوانی که از آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال فاصله می‌گیرد، بخشی از ظرفیت تولیدی و خلاقیت آینده کشور از دست می‌رود. بنابراین سیاست‌گذاران باید شرایطی فراهم کنند که آموزش با نیازهای واقعی اقتصاد پیوند بخورد، فرصت‌های مهارت‌آموزی برای گروه‌های آسیب‌پذیر گسترش یابد، موانع ورود جوانان به بازار کار کاهش پیدا کند و بنگاه‌ها انگیزه بیشتری برای جذب نیروی کار داشته باشند. همچنین لازم است نظام حمایت اجتماعی از رویکرد صرفاً حمایتی به سمت توانمندسازی و ایجاد قابلیت‌های فردی حرکت کند. مسئولیت دیگر تصمیم‌گیران، پیشگیری از تبدیل شدن نیت‌ها به یک بحران اجتماعی است. تجربه کشورهای مختلف نشان داده که افزایش تعداد جوانان خارج از چرخه آموزش و اشتغال می‌تواند به کاهش اعتماد اجتماعی، افزایش احساس طردشدگی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و تشدید نارضایتی‌های سیاسی منجر شود. در واقع نیت‌ها صرفاً یک شاخص اقتصادی نیستند بلکه بازتابی از کیفیت حکمرانی، عدالت فرصت‌ها و کارآمدی نهادهای عمومی محسوب می‌شوند. هرچه سهم این گروه در جامعه بیشتر شود، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی آینده نیز سنگین‌تر خواهد بود. مسئولیت اصلی تصمیم‌گیران سیاسی و اقتصادی در قبال نیت‌ها، جلوگیری از هدررفت سرمایه انسانی و بازگرداندن جوانان به مسیر مشارکت اقتصادی و اجتماعی است. این هدف نه با توزیع منابع مالی کوتاه‌مدت بلکه از طریق اصلاحات ساختاری در بازار کار، ارتقای کیفیت آموزش، توسعه مهارت‌آموزی، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و تقویت امید به آینده محقق می‌شود. نیت‌ها را باید نه یک گروه حاشیه‌ای بلکه نشانه‌ای از سلامت یا بیماری ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور دانست. نشانه‌ای که اگر نادیده گرفته شود، می‌تواند به بحرانی گسترده‌تر در آینده تبدیل شود.

ماشین جنگی خود ناچار به استفاده گسترده از ذخایر مالی، افزایش استقراض داخلی و تخصیص سهم بیشتری از بودجه به بخش دفاعی شده است. در کوتاه‌مدت، بعید به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از طرفین بتوانند به پیروزی قاطع نظامی دست یابند. روسیه همچنان از برتری جمعیتی، منابع طبیعی و ظرفیت صنعتی بیشتری برخوردار است اما اوکراین نیز از حمایت مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی غرب بهره می‌برد. به همین دلیل محتمل‌ترین سناریو در ماه‌های آینده ادامه نبردهای فرسایشی همراه با پیشروی‌های محدود و موضعی در خطوط جبهه است. در میان‌مدت، مهم‌ترین متغیر تعیین‌کننده سرنوشت جنگ، توان اقتصادی طرفین برای تحمل هزینه‌ها خواهد بود. هرچه جنگ طولانی‌تر شود، فشار بر بودجه روسیه، بازار کار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. کاهش دارایی‌های صندوق ثروت ملی، فروش بخشی از ذخایر طلا و افزایش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی نشان می‌دهد که اقتصاد روسیه هرچند فرو نپاشیده اما هزینه‌های سنگینی را متحمل شده است. در مقابل، اوکراین نیز بدون حمایت مالی و نظامی غرب قادر به ادامه جنگ در سطح فعلی نخواهد بود. در نتیجه، محتمل‌ترین چشم‌انداز نه پیروزی کامل روسیه و نه شکست کامل آن بلکه حرکت تدریجی به سمت نوعی آتش‌بس یا توافق سیاسی در سال‌های آینده است؛ توافقی که احتمالاً پس از فرسایش بیشتر توان اقتصادی و نظامی طرفین و تغییر محاسبات سیاسی قدرت‌های درگیر شکل خواهد گرفت. تا آن زمان جنگ همچنان یکی از مهم‌ترین منابع نااطمینانی در اقتصاد جهانی، بازار انرژی و امنیت اروپا باقی خواهد ماند.



زخمی بر حافظه

درباره تخریب کلیسای انجیلی مشهد

محمد رحیم رهنما



مدیر کل سابق میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی

در خبرها آمد که شبانه کلیسای انجیلی مشهد در میانه خرداد ماه ۱۴۰۵ شبانه تخریب شد. این رویداد نامتناسب فرهنگی صرفاً خبر ویرانی یک ساختمان قدیمی نیست؛ بلکه روایت از دست رفتن بخشی از حافظه تاریخی و هویت فرهنگی شهری است که قرن‌ها محل تلاقی فرهنگ‌ها، ادیان، اقوام و جریان‌های مختلف تمدنی بوده است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، این کلیسا که در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده بود (گو یا براساس برخی خبرها از ثبت نیز خارج شده است) در روزهای اخیر تخریب شده است؛ رخدادی که پرسش‌های جدی درباره نحوه حفاظت از میراث فرهنگی در یکی از مهم‌ترین محورهای تاریخی مشهد را مطرح می‌کند.

محور تاریخی ارگ مشهد، که امروزه بخش عمده‌ای از آن در محدوده خیابان امام خمینی (ارگ سابق) (نقشه ضمیمه) و خیابان جنت قرار گرفته است، یکی از مهم‌ترین کانون‌های شکل‌گیری شهر مدرن مشهد به شمار می‌رود. این محور نه تنها محل استقرار بناهای اداری، آموزشی و فرهنگی دوره‌های قاجار و پهلوی بوده بلکه بخش مهمی از حافظه جمعی شهروندان مشهدی را در خود جای داده است. ساختمان‌های ارزشمندی همچون باغ ملی، هتل‌های تاریخی، مدارس قدیمی، بناهای اداری و مذهبی همچنین کلیسای انجیلی، مجموعه‌ای کم‌نظیر از میراث معماری و شهرسازی معاصر ایران را شکل داده‌اند.

اینترنت

اهمیت کلیسای انجیلی مشهد تنها در معماری آن خلاصه نمی‌شود. این بنا نماد بخشی از تاریخ اجتماعی مشهد بود؛ تاریخی که نشان می‌دهد این شهر، برخلاف تصور رایج، صرفاً یک شهر مذهبی تک‌بعدی نبوده بلکه در دوره‌های مختلف میزبان گروه‌های متنوع قومی و دینی از جمله آرامنه، آشوریان، مسیحیان پروتستان، مهاجران روس و سایر جوامع نیز بوده است. وجود چنین بناهایی یادآور لایه‌های متکثر هویت شهری مشهد است؛ لایه‌هایی که حذف آنها به معنای ساده‌سازی تاریخ شهر و از بین بردن بخشی از روایت‌های کمتر دیده شده آن خواهد بود.

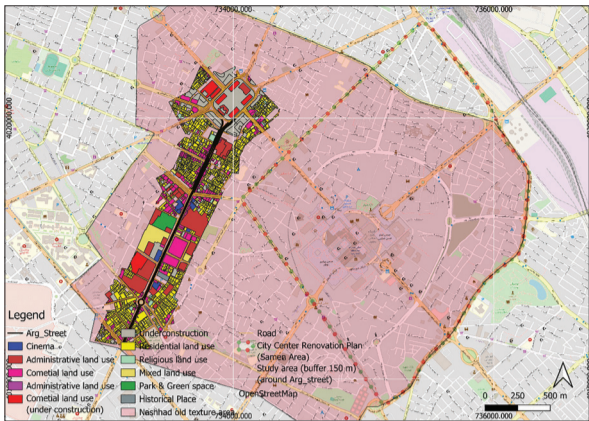
در ادبیات حفاظت شهری، بناهای تاریخی تنها به دلیل قدمت یا ارزش معماری حفظ نمی‌شوند. امروزه مفاهیمی چون «حافظه مکان»، «حس مکان»، «هویت شهری» و «میراث فرهنگی زنده» اهمیت بیشتری یافته‌اند. یک بنای تاریخی، حتی اگر از نظر عملکردی متروکه باشد همچنان حامل معنا، خاطره و روایت تاریخی است. تخریب چنین بناهایی در واقع حذف اسناد فیزیکی تاریخ شهر محسوب می‌شود. همان‌گونه که کتابخانه‌های ارزشمند را نمی‌توان به بهانه عدم استفاده از بین برد، بناهای تاریخی نیز نباید قربانی نگاه صرفاً اقتصادی یا عمرانی شوند.

آنچه این رویداد را نگران‌کننده‌تر می‌کند، وقوع آن در یکی از حساس‌ترین محورهای فرهنگی شهر است. خیابان ارگ مشهد را می‌توان به نوعی «موزه روباز تاریخ معاصر مشهد» دانست. در بسیاری از شهرهای پیشرفته جهان، محورهایی با چنین ارزش تاریخی نه تنها تخریب نمی‌شوند بلکه به عنوان

سرمایه‌های توسعه شهری مورد حفاظت و بازآفرینی قرار می‌گیرند. تجربه شهرهایی مانند بارسلون، پراگ، استانبول و حتی برخی شهرهای منطقه نشان می‌دهد که حفاظت از میراث تاریخی می‌تواند موتور محرک گردشگری فرهنگی، ارتقای کیفیت محیط شهری و افزایش سرمایه اجتماعی باشد. به‌ویژه در عصر هوش مصنوعی و دیجیتال که مراکز شهری و محورهای فرهنگی موتور محرک توسعه اقتصادی به دلیل جذابیت برای حضور گردشگران و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و حضور اجتماعی می‌شود.

از منظر برنامه‌ریزی شهری نیز تخریب این کلیسا، پرسش‌های مهمی ایجاد می‌کند. اگر یک بنای ثبت ملی که به لحاظ قانونی باید تحت حفاظت قرار داشته باشد به این سادگی از ثبت خارج شود و از میان برود، چه تضمینی برای حفاظت سایر آثار تاریخی شهر وجود دارد؟ نگرانی فعالان میراث فرهنگی درباره بناهای دیگری همچون کارخانه تاریخی نخ‌ریسی خسروی نیز از همین منظر قابل درک است.

موضوع دیگر، مسئله حکمرانی شهری و هماهنگی میان نهادهای مسئول است. حفاظت از میراث فرهنگی صرفاً وظیفه یک سازمان خاص نیست. شهرداری، میراث فرهنگی، شورای شهر، دستگاه قضایی، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی رسانه‌ها همگی در قبال میراث شهری مسئولیت دارند. هنگامی که یک اثر ثبت ملی از ثبت خارج و تخریب می‌شود



نقشه موقعیت تاریخی خیابان ارگ در مرکز و محدوده بافت قدیمی شهر مشهد (ترسیم: محمدرحیم رهنما، ۱۴۰۵)

صرفاً یک ساختمان از بین نرفته است؛ بلکه بخشی از اعتماد عمومی نسبت به نظام حفاظت میراث نیز آسیب می‌بیند.

از سوی دیگر، این رویداد نشان می‌دهد که هنوز نگاه توسعه‌گرا در برخی سطوح مدیریتی با نگاه حفاظتی به تعادل نرسیده است. توسعه شهری زمانی پایدار است که بتواند میان نیازهای امروز و حقوق نسل‌های آینده توازن برقرار کند. شهر بدون حافظه

تاریخی، هرچند ممکن است از نظر کالبدی توسعه یابد اما به تدریج هویت و تمایز خود را از دست خواهد داد. شهرهایی که همه نشانه‌های تاریخی خود را حذف کرده‌اند اغلب به فضاهایی بی‌هویت و فاقد جذابیت فرهنگی تبدیل شده‌اند.

مشهد امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تدوین یک راهبرد جامع حفاظت از میراث شهری است. این راهبرد باید فراتر از ثبت بناها در فهرست آثار ملی عمل کند و حفاظت فعال، بهره‌برداری فرهنگی، بازآفرینی کاربری و مشارکت شهروندان را در بر گیرد. بناهایی مانند کلیسای انجیلی می‌توانستند به موزه ادیان، مرکز گفت‌وگوی فرهنگی، گالری شهری یا فضای آموزشی تبدیل شوند و در خدمت توسعه فرهنگی شهر قرار گیرند.

تخریب کلیسای انجیلی مشهد صرفاً از دست رفتن یک ساختمان نیست؛ بلکه زنگ خطری برای آینده میراث تاریخی شهر است. اگر امروز نسبت به این رخداد بی‌تفاوت باشیم، فردا ممکن است شاهد از دست رفتن دیگر عناصر ارزشمند محور ارگ و سایر بخش‌های تاریخی مشهد باشیم. شهرها تنها با ساختمان‌های جدید ساخته نمی‌شوند؛ آنها با خاطرات، روایت‌ها و میراثی که از گذشته به ارث برده‌اند، معنا پیدا می‌کنند. حفاظت از این میراث، نه یک انتخاب بلکه ضرورتی برای حفظ هویت و استمرار تاریخی شهر مشهد است.

قضای

توبه تلو

توبه تلو پذیرفته شد
و پرونده او در انتظار رای نهایی است



وکیل امیرحسین مقصدولو، خواننده مشهور به تلو، از پذیرش درخواست توبه موکلش از سوی دادگاه خبر داد و اعلام کرد که پرونده برای تصمیم‌گیری نهایی به رئیس قوه قضاییه ارسال شده است. مجید نقشی، وکیل پایه یک دادگستری، درباره آخرین وضعیت پرونده موکلش گفت: امیرحسین مقصدولو جزو عفوشدگان اعیان سعید قربان و غدیر خم نبوده و برخی اخبار منتشر شده درباره درخواست مرخصی او برای حضور در مراسم محرم و مداحی در خارج از زندان نیز صحت ندارد. وی تأکید کرد که درخواست توبه موکلش از سوی دادگاه مورد پذیرش قرار گرفته و اکنون برای طی مراحل نهایی و اتخاذ تصمیم نهایی به رئیس قوه قضاییه ارسال شده است. نقشی همچنین ابراز امیدواری کرد با توجه به بازگشت برخی خوانندگان به کشور از ظرفیت هنری موکلش نیز در چارچوب قوانین برای خدمت به کشور استفاده شود. پرونده قضایی تلو طی سال‌های اخیر به یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های حوزه فرهنگ و هنر تبدیل شده است. این خواننده که پس از بازگشت از ترکیه در آذرماه ۱۴۰۲ بازداشت شد با اتهامات مختلفی از جمله «تشویق به فساد و فحشا» و «توهین به مقدسات» روبرو شد. او در یک پرونده به ۱۰ سال حبس محکوم شد و در پرونده دیگری پس از قرض رأی اولیه در دیوان عالی کشور، حکم اعدام برای وی صادر شد. با این حال وکلای تلو در ماه‌های گذشته علاوه بر درخواست اعاده دادرسی و عفو بر توبه و اظهار ندامت موکل خود نیز تأکید کرده‌اند. بر اساس قانون مجازات اسلامی در برخی جرائم، پذیرش توبه محکوم، می‌تواند زمینه تخفیف یا توقف مجازات را فراهم کند. اکنون سرنوشت نهایی این پرونده در انتظار تصمیم مراجع عالی قضایی قرار دارد؛ تصمیمی که می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر آینده یکی از پرحاشیه‌ترین چهره‌های موسیقی ایران داشته باشد.

ضرر میلیاردی بی نتیجه

به بهانه اعتراف رسمی مرکز ملی فضای مجازی به قطعی اینترنت که باعث امنیت نشد

فائزه مومنی



گروه اجتماعی

توجیهات امنیتی که برای ماه‌ها چون دیواری بلند بر گرده فضای مجازی کشور سنگینی می‌کرد، سرانجام از سوی عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری دیجیتال کشور به چالش کشیده شد. مرکز ملی فضای مجازی در تازه‌ترین ارزیابی فنی و عملیاتی خود، گزاره‌ای را تأیید کرد که کارشناسان مستقل مدت‌هاست بر آن پافشاری می‌کنند؛ اینکه قطع گسترده و طولانی‌مدت اینترنت نه تنها تأثیری معنادار در مهار حملات سایبری پیشرفته نداشته بلکه اساساً کارکرد دفاعی مورد ادعای برخی نهادها را زیر سوال برده است. این اذعان صریح، نقطه عطفی در ادبیات رسمی مدیریت فضای مجازی کشور به شمار می‌رود. برای نزدیک به سه ماه، به بهانه تهدیدات خارجی، شاگرد ارتباطی جامعه و اقتصاد کشور مسدود شد اما اکنون مشخص شده که این جراحی دردناک نه تنها بیمار را از گزند نفوذ مصون نداشت بلکه زیرساخت‌های حیاتی را در وضعیتی شکننده‌تر از گذشته رها کرده است.

رمزگشایی از بی‌اثری یک نسخه سنتی

برای درک علت شکست سیاست انسداد شبکه باید به ماهیت حملات پیشرفته یا همان تهدیدات پایدار و هدفمند (APT) نگریست. برخلاف تصورات رایج و سنتی که امنیت را در کشیدن سیم خلاصه می‌کنند، مهاجمان حرفه‌ای و سایبرتروریست‌های تحت حمایت دولت‌های متخاصم، نیازی به اتصال زنده و ثانیه‌ای به اینترنت قربانی در لحظه حمله ندارند. نفوذ این گروه‌ها غالباً ماه‌ها پیش از اجرای فاز نهایی و مخرب از طریق روش‌های پیچیده‌ای چون حملات بدون فایل یا آلوده‌سازی زنجیره تأمین انجام گرفته و بدافزارها در اعماق شبکه‌ها جا خوش کرده‌اند. بنابراین قطع کردن ارتباط بین‌المللی در میانه بحران، تأثیری بر کدهای مخربی که از قبل در دیتاسترها فعال شده‌اند، ندارد. ارزیابی فنی مرکز ملی فضای مجازی به وضوح بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که این ابزار موقت مدیریت بحران در برابر استراتژی‌های نوین سایبری عملاً خلع سلاح است.

انباشت آسیب‌پذیری‌ها؛ ارمان ماه‌ها ناپایداری

اما ابعاد این بحران به بی‌اثری محدود نمی‌شود؛ لایه پنهان و خطرناک‌تر ماجرا اینجاست که خود قطع اینترنت مسبب بروز سطح بی‌سابقه‌ای از آسیب‌پذیری در کشور شده است. بر اساس تحلیل‌های کارشناسان امنیت شبکه، سیستم‌عامل‌ها، دیوارهای آتش و نرم‌افزارهای حیاتی در سازمان‌های دولتی، بانک‌ها و بخش خصوصی، همگی ماهیتی خارجی دارند و برای مصون ماندن از هک نیازمند دریافت روزانه وصله‌های امنیتی (پچ) و به‌روزرسانی‌های مداوم هستند. محروم کردن این تجهیزات از شبکه جهانی در سه ماه گذشته به معنای تلباری شدن انبوهی از حفره‌های امنیتی پچ‌نشده است. پدیده‌ای که سبب شده حتی مبتدی‌ترین هکرها نیز با استفاده از اکسپلویت‌های عمومی موجود در دنیا بتوانند به سیستم‌های حساسی مانند ایمیل سرورهای سازمانی یا وبسایت‌های تحت مدیریت سی‌پنل نفوذ کنند. گواه عینی این مدعا رخدادهای اخیر است؛ بخش عمده‌ای از هک‌های بزرگ و اختلال در سامانه‌های بانکی و سوخت‌رسانی کشور دقیقاً در همان روزهایی رخ داد که اینترنت به طور کامل قطع یا محدود شده بود.

از چاله خودرو تا چاه اینترنت؛ تفکری که جزیره می‌سازد

این تناقض آشکار میان ادعای مسئولان رادیکال و واقعیت‌های فنی، پرده از نگاهی ایدئولوژیک برمی‌دارد که راهکار پیشرفت را نه در تعامل بلکه در انزوا و جزیره‌ای شدن کشور می‌بیند. گزارش‌های واصله از بهارستان، مطابق با گفته احمد راستینه نشان می‌دهد که جریانی اقلیتی اما پیرسودا حتی پس از برقراری آتش‌بس و فروکش کردن مخاطرات نظامی، اصرار بر تداوم قطعی شبکه داشته و در جلسات کمیسیون صنایع با ادبیاتی تند به وزیر ارتباطات تاخته‌اند که چرا با وصل مجدد اینترنت «خیانت» کرده است. استدلال این طیف رادیکال مبنی بر اینکه «مردم» به قطعی عادت کرده‌اند و بگذارید شبکه بسته بماند تا پلنفرم‌های داخلی رشد کنند» یادآور تجربه‌ای تلخ و آشنا در اقتصاد ایران است. تلاشی برای بازتولید ساختاری شبیه به انحصار صنعت خودرو در بستر فضای مجازی کشور؛ خلق

معیشتی که قربانی بهانه‌ها شد

نجابت و صبوری مردم در میانه شرایط جنگی و التهابات امنیتی، هرگز به معنای رضایت یا عادت آنان به حبس دیجیتال نبود. واقعیت زیسته جامعه نشان می‌دهد که انسداد سه ماهه، خسارات کم‌رشدی به کسب‌وکارهای آنلاین، آموزش مجازی، بانکداری الکترونیکی و حتی خدمات درمانی وارد کرده است. حالا که متولی اول فضای مجازی کشور تأیید کرده این قطعی‌ها فاقد دستاورد معنادار فنی بوده است این پرسش بنیادین از سوی افکار عمومی و فعالان اقتصادی مطرح می‌شود که هزینه این ضررهای هنگفت مادی و روانی را چه کسی پرداخت خواهد کرد؟ وقتی با هر تصادفی در جاده به جای بهبود کیفیت خودرو و سیستم‌های نظارتی، اصل جاده را مسدود می‌کنیم، تنها صورت مسئله را پاک کرده‌ایم؛ منطقی صفر و یکی که حقوق مسلم شهروندان را به بهانه‌های واهی به مخاطره می‌اندازد.

مسیر ناگزیر تعامل و سیستم‌های هوشمند

ایستادگی دولت در برابر این تفکر انسدادی و صدور دستور بازگشایی، اگرچه گامی مثبت است اما به تعبیر ناظران، منتهی بر سر مردم نبوده و تنها بازگشت به یک وضعیت عادی و اولیه است. اکنون با اتکا به گزارش رسمی مرکز ملی فضای مجازی، زمان آن فرارسیده است که رویکرد مدیریت شبکه در ایران برای همیشه دستخوش تغییر شود. پایداری شبکه ملی در شرایط بحران الزامی است اما این پایداری نباید به قیمت حذف اینترنت بین‌الملل تمام شود. راهکار صیانت از زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری بر دیوارهای آتش هوشمند، سیستم‌های تشخیص نفوذ پیشرفته (IDS/IPS) و تعاملات فنی بین‌المللی برای شناسایی منابع حملات است نه فلج کردن کل جامعه. گزارش اخیر ثابت کرد که امنیت سایبری با انزوا به دست نمی‌آید و وقت آن است که بهانه‌های امنیتی برای همیشه جای خود را به حکمرانی عاقلانه و مبتنی بر واقعیت‌های علمی بدهند.

